



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

وارثین خاندان خود



نسخه ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشتیهای خانواده

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	دانستنیهای خانواده
۸	مشخصات کتاب
۸	خانواده
۸	قرآن و خانواده
۸	حقوق خانواده
۸	اسباب اختلاف
۸	اختلافات خانوادگی
۸	اختلاف افکنی
۹	به تکلف افتادن
۹	به رخ کشیدن
۹	بازگو کردن های بیجا
۹	بد زبانی و تمسخر
۹	سوء ظن
۹	مراء وجدال
۱۰	بد حجایی و جلوه های نابجا
۱۰	توقعات بی جا
۱۰	بیکاری - سرگرمی سالم
۱۰	زخم زبان، توهین، تهمت
۱۱	شغل
۱۱	آرایش ها
۱۱	عدم اطاعت و پیروی
۱۱	چشم داشت به دیگران

- ۱۱ فرزند دختر
- ۱۱ بدگوئی
- ۱۲ عیب جوئی
- ۱۲ حسادت
- ۱۲ غرور و خود خواهی
- ۱۲ راه حل اختلاف
- ۱۲ پیش گیری
- ۱۲ دادگاه خانواده
- ۱۲ مسئولیت والدین
- ۱۳ برخوردهای منطقی
- ۱۳ نمونه هایی از الگوهای خانواده
- ۱۴ رفتار متقابل دو همسر فداکار (حضرت زهرا و حضرت علی علیهما السلام)
- ۱۴ شرم و حیا در کنار همسر
- ۱۴ وفاداری و حمایت همیشگی از همسر
- ۱۵ تواضع و فروتنی حضرت زهرا (س) در مقابل همسر
- ۱۵ سازش با مشکلات و سختی‌ها در طول زندگی
- ۱۶ جهاد زن در راه خدا!
- ۱۷ ایثار در شوهرداری
- ۱۸ حفظ آبروی خانواده
- ۱۸ تقسیم کار در خانه
- ۱۹ عشق و علاقه شدید حضرت زهرا (س) به امیرالمؤمنین (ع)
- ۲۰ کار طاقت‌فرسای امیرالمؤمنین (ع) جهت امرار معاش
- ۲۰ رضایت فوق‌العاده امیرالمؤمنین (ع) از حضرت زهرا (س)
- ۲۱ استفاده از تجربه ی مشورت در زندگی

- ۲۱ تفریح و گفتگوهای دلنشین حضرت زهرا (س) و امیرالمؤمنین (ع)
- ۲۲ توصیه ی حضرت زهرا (س) به امیرالمؤمنین (ع) در ازدواج با امامه
- ۲۲ رفتار با فرزند
- ۲۲ انتخاب بهترین نام‌ها برای فرزندان
- ۲۳ عقیقه دادن و گفتن اذان در گوش نوزاد
- ۲۳ اظهار محبت نسبت به فرزندان
- ۲۴ توجه به نیازهای کودکان
- ۲۴ توجه به بازی و تحرک کودکان
- ۲۵ استفاده از جاذبه شعر در تربیت کودکان
- ۲۵ ارج نهادن به شخصیت فرزندان
- ۲۶ توجه دادن فرزندان به رعایت نظم و حقوق دیگران
- ۲۷ عدم تبعیض بین فرزندان
- ۲۸ برخوردار نمودن فرزندان از عواطف پاک مادری
- ۲۸ امید دادن به فرزندان در اجابت خواسته‌های مشروع
- ۲۹ توجه به حضور و غیاب فرزندان
- ۲۹ آموزش ایمان و تقوی به فرزندان
- ۲۹ اشاره
- ۲۹ تشویق فرزندان به مسائل دینی و عبادی
- ۳۰ مأنوس نمودن فرزندان به مسجد و دقت در گفتار پیامبر (ص)
- ۳۰ تعلیم فرزندان به نوع دوستی و رعایت حقوق همسایگان
- ۳۱ توجه به سلامتی فرزندان
- ۳۱ خلاصه ی درسهایی از برنامه‌های تربیتی حضرت زهرا (س) نسبت به فرزندان
- ۳۲ یاد فرزندان در بستر شهادت
- ۳۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

دانستنیهای خانواده

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور: دانستنیهای خانواده/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان. مشخصات نشر: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه وضعیت فهرست نویسی: فیبا موضوع: خانواده-- اجتماعی موضوع: جوان -- زندگی موضوع: اجتماعی - عمومی

خانواده

قرآن و خانواده

وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ [مریم / ۵۵]. وَ أَمُرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ [طه / ۱۳۲]. قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ [احزاب / ۵۹]. إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ [طور / ۲۶]. وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ [شعراء / ۲۱۴]. إِذْ قَالَ لِنِسِيِّهِ [بقره / ۱۳۳]. يَا بَنِي أُمِّمِ الصَّلَاةِ [لقمان / ۱۷]. قَالَ يَا بَنِي لَا تَقْضِيْ صُرُوفًا [يوسف / ۵]. يَا بَنِي إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ [صافات / ۱۰۲]. يَا بَنِي لَا تَدْخُلُوا مِنِّي بَابٍ وَاحِدٍ [يوسف / ۶۷]. فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِيَّتُهُ [يونس / ۸۳].

حقوق خانواده

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) كَلِمَ رَاعٍ وَ كَلِمَ مَسْئُولٍ عَنِ الرَّعِيَةِ الرَّجُلُ مَسْئُولٌ عَنِ أَهْلِهِ وَ الْمَرْئَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى وَلَدِهَا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدُ عَلَى النَّارِ هُدًى [طه / ۱۰]. موسی در فکر آوردن نیازهای خانوادگی بود، اما خدا او را به نبوت رساند. فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ [ذاریات / ۲۶]. تلاش همسر ابراهیم برای تهیه غذا برای مهمان. قَالَ الصَّادِقُ (ع) لَمَّا نَزَلَتْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا قَالَ النَّاسُ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ نَقِي أَنْفُسَنَا وَ أَهْلِيْنَا قَالَ اْعْمَلُوا الْخَيْرَ وَ ذَكُرُوا بِهٖ أَهْلِيكُمْ وَ أَدْبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ [دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۸۲]. احترام به حقوق و مالکیت همسر: وَ آتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً [نساء / ۴]. لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ [نساء / ۳۲]. دوری از سخت گیری: يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ [رعد / ۲۱]. عفو و اغماض: وَ إِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ [شوری / ۳۷]. تحمل زخم زبان: وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا [فرقان / ۶۳]. خرج به مقدار توان: لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ [طلاق / ۷]. معاشرت معروف: عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ [نساء / ۱۹]. احترام متقابل: وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنٍ مِنْهَا أَوْ رُدُّوْهَا [نساء / ۸۶]. حضور در اجتماع: فُكِّلَ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ [آل عمران / ۶۱]. زنها وسیله انحراف و بهانه دست دشمن نشوند: يَذَّبُحْ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ [قصص / ۴]. قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ [غافر / ۲۵].

اسباب اختلاف

اختلافات خانوادگی

اختلاف افکنی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ عَمِلَ فِي فُرْقَةٍ بَيْنَ امْرَأَةٍ وَ زَوْجِهَا كَانَ عَلَيْهِ عَذَابُ اللَّهِ وَ لَعْنَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ

يَرْضَخَهُ بِالْفِ صِخْرُهُ مِنْ نَارٍ وَمَنْ مَشَى فِي فَسَادٍ مَا بَيْنَهُمَا وَلَمْ يَفْرُقْ كَانَ فِي سِيْخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَغْنَتِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ حَرَّمَ
 (اللَّهُ عَلَيْهِ) النَّظَرَ إِلَى وَجْهِهِ [ثواب الأعمال، ص ۲۸۸].

به تکلف افتادن

برای خوشحال کردن اقوام و رفقای خود شوهرش را به زحمت نیندازد. رفقا و اقوام یک ساعت بیشتر با او نیستند ولی با شوهر آزرده زندگی دائمی مشکل خواهد بود.

به رخ کشیدن

۱ زن نباید در خانه جمال و مال خود را به رخ شوهرش بکشد و اگر این کار را کرد جز دوری و کینه شوهر بهره‌ای نمی‌برد. ۲ به مدرک، فامیل، شکل، مال، هنر و ... خود افتخار می‌کند و پز می‌دهد.

بازگو کردن های بیجا

لا- يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ [نساء / ۱۴۸] لا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا [حجرات / ۱۲]. مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا [نساء / ۸۵] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَمَرَ بِسُوءٍ أَوْ دَلَّ عَلَيْهِ أَوْ أَسَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ [خصال صدوق، ج ۱، ص ۱۳۸]. فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ [بقره / ۱۰۲].

بد زبانی و تمسخر

قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ [اسراء / ۵۳]. لا يَسِيْخِرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ [حجرات / ۱۱]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صِلَاتَهَا وَ لَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِينَهُ وَ تُرْضِيَهُ وَ إِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ وَ قَامَتِ وَ أَعْتَقَتِ الرِّقَابَ وَ أَنْفَقَتِ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ تَرَدُّ النَّارَ ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرُ وَ الْعِيَابُ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًا ظَالِمًا [أعلام الدين، ص ۴۱۴]. قَالَ الصَّادِقُ (ع): مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ امْرَأَةٌ تُؤْذِي زَوْجَهَا أَوْ تَعُمُّهُ وَ سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَ لَا تُؤْذِيهِ [كنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۴۹]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ بَرِيئَانِ مِمَّنْ أَضْرَبَ بِامْرَأَتِهِ حَتَّى تَحْتَلِعَ مِنْهُ [ثواب الأعمال، ص ۲۸۷]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنِّي أَنْعَجَبُ مِمَّنْ يَضْرِبُ امْرَأَتَهُ وَ هُوَ بِالضَّرْبِ أَوْلَى مِنْهَا [جامع الأخبار، ص ۱۵۸]. پیامبر (ص) می‌فرماید: حور العين به زنی که شوهرش را آزار می‌دهد می‌گوید: خدا ترا بکشد. شما لیاقت این مرد را ندارید. به زودی از شما جدا شده و به سراغ ما می‌آید. [آیین همسر داری، ص ۳۳].

سوء ظن

إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ [حجرات / ۱۲]. ۱ چطور شد که نگذاشت نامه را بخوانم. ۲ چطور شد که حمام رفت. ۳ چطور شد که دیر آمد. ۴ چطور شد که ستایش فلانی را کرد. ۵ چطور شد که فلان زن از او ستایش کرد. ۶ چطور شد که به فلانی احترام کرد. اختلافات خانوادگی، صفحه ۳ ۷ چطور شد که نسبت به فامیل من سر سنگین است. ۸ چطور شد که به من خلاف گفت. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): إِيَّاكَ وَ التَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَ الْبَرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ [نهج البلاغه، نامه ۳۱].

مراء وجدال

پیغمبر: (ص) ضامن شده‌اند خانه‌ای را در بهشت: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَنَا زَعِيمٌ بَيْتِ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ وَبَيْتِ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ وَبَيْتِ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا [توحيد صدوق، ص ۴۶۱].

بد حجابی و جلوه های نابجا

دلسردی مرد عامل فتنه است که منشأ این دلسردی چشم‌چرانی مرد از یک سو و آرایش آزاد زنان در خیابان‌ها از سوی دیگر و مقایسه کردن که مرد میان همسر خود با تمام زنانی که دیده است می‌تواند باشد. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): وَ أَكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَأ يوثُقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ [نهج البلاغه، نامه ۳۱]. مرد نباید هر مردی را به هر عنوان به خانه آورد. قَالَ الصَّادِقُ (ع): مَا يَأْمُنُ الَّذِينَ يَنْظُرُونَ فِي أَذْبَارِ النِّسَاءِ أَنْ يَتَلَوَّا بِذَلِكَ فِي نِسَائِهِمْ [من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۹]. قَالَ الصَّادِقُ (ع): أَيَّمَا امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صِلَاءٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طِيْبِهَا كُغْتَلِبَهَا مِنْ جَنَابَتِهَا [کافی، ج ۵، ص ۵۰۷]. فَلَا تَخْضَعَنَّ بِالْقَوْلِ فَيُطَمَعِ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ [احزاب / ۳۲]. وَ لَا يَضْرِبَنَّ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ [نور / ۳۱].

توقعات بی جا

پیامبر (ص): هر زنی که ناسازگاری کند و شوهرش را بر چیزهایی که فوق توانایی اوست و ادوار کند، اعمالش مورد قبول نیست و در قیامت مورد غضب خداست. [آیین همسررداری، ص ۴۷]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ وَ لَمْ تُؤَافِقْهُ وَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى مَا رَزَقَهُ اللَّهُ وَ شَقَّتْ عَلَيْهِ وَ حَمَلَتْهُ مَا لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهَا حَسَنَةً تَتَّقِي بِهَا النَّارَ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا مَا دَامَتْ كَذَلِكَ [ثواب الأعمال، ص ۲۸۷].

بیکاری - سرگرمی سالم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): نِعْمَ اللَّهُ الْمَغْزَلُ لِلْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ [علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۸۲]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَأ تُتْرَكُوا النِّسَاءُ الْعُرْفَ وَ لَأ تُعَلِّمُوهُنَّ الْكِتَابِيَّةَ وَ عَلِّمُوهُنَّ الْعَزْلَ وَ سُورَةَ التَّوْرِ [الجعفریات، ص ۹۷]. ام اسلمه از رسول خدا (ص) درباره خدمت زن در خانه پرسید؛ فرمودند: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنْ هَذَا السِّدِّينِ مَتِينَيْنِ فَأَوْغُلُوا فِيهِ بِرَفْقٍ وَ لَأ تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالرَّاكِبِ الْمُتَبَتِّ الَّذِي لَأ سَفَرًا قَطَعَ وَ لَأ ظَهْرًا أَبْتَقَى [کافی، ج ۲، ص ۸۶]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَيَّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صِلَا حَاظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا وَ مَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ لَمْ يَعِدْهُ [أمالی صدوق، ص ۴۱۱]. قَالَ الْبَاقِرُ (ع): إِنْ فَاطِمَةُ (ع) ضَمِنَتْ لِعَلِيٍّ (ع) عَمَلِ النَّبِيِّ وَ الْعَجِيزِ وَ الْخُبْزِ وَ قَمِّ النَّبِيِّ وَ ضَمِنَ لَهَا عَلِيُّ (ع) مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ نَقْلَ الْحَطَبِ وَ أَنْ يَجِيءَ بِالطَّعَامِ [تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۱]. فاطمه (س) از رسول الله ص تقاضای خادمه کرد، فرمود: می‌ترسم از پاداش کار در خانه باز بمانی یا فاطمه! إِنْ لَأ أُرِيدُ أَنْ يَنْفَكَ عَنْكَ أَجْرَكَ إِلَى الْجَارِيَةِ [المناقب، ج ۳، ص ۳۴۱].

زخم زبان، توهین، تهمت

اختلافات خانوادگی، صفحه ۴ و بِلْ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ [همزه / ۱]. وَ لَأ تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ [انعام / ۱۰۸]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ قَذَفَ امْرَأَتَهُ بِالزَّنَاءِ خَرَجَ مِنْ حَسَنَاتِهِ كَمَا تَخْرُجُ الْحَيَّةُ مِنْ جُلْدِهَا وَ كَتَبَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ أَلْفُ خَطِيئَةٍ [جامع الأخبار، ص ۱۵۷]. قَالَ الصَّادِقُ (ع): إِنْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرْضَدَ لِمُحَارَبَتِي وَ أَنَا أَسْرِعُ شَيْءٍ إِلَى نُضْرَةٍ أَوْلِيَائِي [کافی، ج ۲، ص ۳۵۱].

شغل

زن‌ها معمولاً شوهری دوست دارند که؛ ۱ در وطن باشد. ۲ هر شب بیاید. ۳ اول شب بیاید. ۴ ایام فراغت داشته باشد. ۵ شب نشینی و گردش و تفریح بروند. ۶ شغل تمیز، آبرومند و پردرآمد داشته باشد. این خواسته مطابق اصل فرد و اصل رفاه است، اما اصل جامعه اصل خدمت و اصل رشد می‌گوید: افراد باید همت کنند. مرزبان و کشیک باشند، از سود و تمیزی بگذرند.

آرایش‌ها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): اغسلوا ثيابكم و خذوا من شعوركم و استاكوا و تزينوا و تنظفوا فان بنى اسرائيل لم يكونوا يفعلون ذلك فزنت نسائهم [نهج الفصاحه، جمله ۳۷۸]. عَنِ الْحَسَنِ بْنِ جَهْمٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) اخْتَصَبَ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ اخْتَصَبْتَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ إِنَّ التَّهْيِئَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عَفْوِ النَّسَاءِ وَ لَقَدْ تَرَكَ النَّسَاءُ الْعِفَّةَ بَتَرَكَ أَزْوَاجَهُنَّ التَّهْيِئَةَ [كافی، ج ۵، ص ۵۶۷]. زنی به نزد پیامبر (ص) رفته و گفت که شما فرموده‌اید که زن در منزل برای مردش آرایش کند، لیکن شوهر من نایب است. حضرت فرمود: شما عطر بزیند تا شوهرتان بوی عطر را استشمام کند.

عدم اطاعت و پیروی

۱ نپذیرفتن عذر و عدم گذشت: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا تَقْبَلُ مِنْهُ عُدْرًا وَ لَا تَغْفِرُ لَهُ ذَنْبًا [کافی، ج ۵، ص ۳۲۵]. الْحَصَانُ مَعَهُ إِذَا حَضَرَ لَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَ لَا تُطِيعُ أَمْرَهُ وَ إِذَا خَلَا بِهَا بَعْلُهَا تَمَنَعَتْ مِنْهُ كَمَا تَمَنَعُ الصَّغِيرَةُ عَنْ رُكُوبِهَا لَا تَقْبَلُ مِنْهُ عُدْرًا وَ لَا تَغْفِرُ لَهُ ذَنْبًا ۲ در فامیل خوار، در خانه شوهر مستکبر: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ أَرْوَاحِكُمْ الدَّلِيلَةُ فِي أَهْلِهَا الْعَزِيزَةُ مَعَ بَعْلِهَا الْعَقِيمُ الْحَقُودُ الَّتِي لَا تَوَرَّعُ مِنْ قَيْحِ الْمُتَبَرِّجَةِ إِذَا غَابَ عَنْهَا بَعْلُهَا [کافی، ج ۵، ص ۳۲۵]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الدَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا الْمُتَبَرِّجَةِ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانِ عَلَى غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَ تُطِيعُ أَمْرَهُ وَ إِذَا خَلَا بِهَا بَدَلَتْ لَهُ مَا يَرِيدُ مِنْهَا وَ لَمْ تَبْدَلْ كِتَابَةَ الرَّجُلِ [کافی، ج ۵، ص ۳۲۴]. ۳ ترک آرایش برای یکدیگر: امام صادق (ع) می‌فرماید: زن نباید آرایش را ترک کند، گرچه به یک گردن بند باشد [آیین همسررداری، ص ۱۵۳]. قَالَ الْبَاقِرُ (ع): لَا يَتَّبِعِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسِهَا وَ لَوْ تَعَلَّقَتْ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةً [کافی، ج ۵، ص ۵۰۹]. ۴ نپذیرفتن مدیریت: الرَّجَالُ قَوْمُونَ عَلَى النَّسَاءِ [نساء / ۳۴].

چشم داشت به دیگران

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى امْرَأَةٍ ذَاتِ بَعْلِ مَلَأَتْ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا [أعلام الدين، ص ۴۱۷]. اختلافات خانوادگی، صفحه ۵ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): مَنْ أَطْلَقَ نَاطِرَهُ أَتَعَبَ خَاطِرَهُ مَنْ تَتَابَعَتْ لِحَظَاتِهِ دَامَتْ حَسْرَاتُهُ [جامع الأخبار، ص ۹۳].

فرزند دختر

مردان ناجوری هستند که به خاطر این که همسرشان دختر می‌آورد، زندگیش را تلخ قرار می‌دهند.

بدگویی

وَ آتَيْتُمْ إِخِيْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا [نساء / ۲۰]. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النَّسَاءَ كَوَهًا وَ لَا تَعْضُوا لَمُوهُنَّ لِنَدَاهُنَّ بِبَعْضٍ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ [نساء / ۱۹]. در جاهلیت به سراغ دختران ثروتمند می‌رفتند به امید این که یا بمیرند

و مردان وارث شوند یا آنان را در معضلات قرار دهند و زنان حاضر شوند قسمتی از مهریه را پس دهند.

عیب جوئی

به رسول خدا (ص) گفته شد، فلانی زن خوبی است. روزها روزه و شبها عبادت می‌کند. لکن بد اخلاق و بد زبان است. فرمود: او هیچ خوبی ندارد و از اهل دوزخ است [آیین همسر داری، ص ۴۱]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَيَّمَا امْرَأَةٍ آذَتْ زَوْجَهَا بِلِسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صَرْفًا وَلَا عَدْلًا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُرْضِيَهُ [أُمَالِي صَدُوق، ص ۴۲۹].

حسادت

۲۰. کتمان درگیری ها قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا يَسْئَلُ الرَّجُلُ فِيمَا ضَرَبَ امْرَأَتَهُ [سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۴۶].

غرور و خود خواهی

پوشاندن گلایه‌ها راه حل نیست. حق انتقاد و حق دفاع، نشانه رشد و آزادی و سلامت محیط است. غرور و خودخواهی مانع حل اختلافات است.

راه حل اختلاف

پیش گیری

۱ آشنا بودن زن و شوهر به مسائل خانوادگی و آشنا نبودن آنها به روحیات یکدیگر و عدم دقت در گزینش همسر مناسب و هم‌رنگ (کفو) بخشی از عوامل اختلافات است. ای کاش برای پسران و دخترانی که در صدد ازدواج هستند کلاس هایی به عنوان آموزش ازدواج و آیین همسر داری تشکیل می‌شد. ۲ بازگو کردن اسرار زندگی با یکدیگر. وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِي الْعَلِيمُ الْحَبِيبُ [تحریم / ۳].

دادگاه خانواده

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا [نساء / ۳۵]. مزایای دادگاه خانواده در اسلام: ۱ فوری ۲ مجانی ۳ مکتوم ۴ بدون مرخصی، اضافه کار، ساعت معین و باز پرس ۵ کشف عوامل به طور دقیق ۶ قبل از وقوع شقاق اقدام کنید «خِفْتُمْ» ۷ زن و شوهر یکی هستند «شِقَاق» اختلافات خانوادگی، صفحه ۶ هر دو در انتخاب داور مساوی هستند.

مسئولیت والدین

۱ دعا: رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي [ابراهیم / ۴۰]. ۲ غذای حلال: قَالَ الصَّادِقُ (ع): كَسْبُ الْحَرَامِ بَيْنُ فِي الذَّرِيَّةِ [كافی، ج ۵، ص ۱۲۴]. ۳ غذای کامل: وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ [بقره / ۲۳۳]. ۴ آموزش: عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ ۵ موعظه: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يُعِظُهُ [لقمان / ۱۳]. ۶ عدالت: ۷ تزویج: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكَحَكَ [قصص / ۲۷]. ۸ پایداری در تربیت: وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا [طه / ۱۳۲]. ۹ غافل نشدن از حق: لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ [منافقون / ۹]. وظیفه پدر و

مادر به نده پروری است نه بچه پروری: تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاتُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ [حدید / ۲۰]. نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا [سبأ / ۳۵].
لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَ لَا أَوْلَادُهُمْ [آل عمران / ۱۰].

برخوردهای منطقی

قَالَ الصَّادِقُ (ع): خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِنْ غَضِبَتْ أَوْ أَعْضِبَتْ بَثَّ قَالَتْ لِرَوْجِهَا يَدِي فِي يَدِكَ لِمَا أَكْنَجَلُ بِغُمُضِ حَتَّى تَرْضَى عَنِّي [من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۹]. قَالَ الصَّادِقُ (ع): خَيْرُ نِسَائِكُمُ الطَّيْبَةُ الرِّيحِ الطَّيْبَةُ الطَّبِيخِ الَّتِي إِذَا أَنْفَقَتْ أَنْفَقَتْ بِمَعْرُوفٍ وَ إِذَا أَمْسَكَتْ أَمْسَكَتْ بِمَعْرُوفٍ فَتِلْكَ عَامِلٌ مِنْ عُمَالِ اللَّهِ وَ عَامِلُ اللَّهِ لَا يَخِيبُ وَ لَا يَنْدَمُ [كافی، ج ۵، ص ۳۲۵]. فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا [نساء / ۱۹]. قَالَ الصَّادِقُ (ع): خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِنْ أُعْطِيَتْ شَكَرَتْ وَ إِنْ مَنَعَتْ رَضِيََتْ [مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱]. قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع): أَشْكُرُكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرُكُمْ لِلنَّاسِ [كافی، ج ۲، ص ۹۹]. قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع): وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسِينَ [صحيفه سجاديه، دعای ۲۰]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لِمَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَيْدَاءً [كافی، ج ۵، ص ۵۶۹]. قَالَ الصَّادِقُ (ع): مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ اشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعَمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ [كافی، ج ۲، ص ۹۴]. قَالَ الصَّادِقُ (ع): لَعَنَ اللَّهُ قَاطِعِي سُبُلِ الْمَعْرُوفِ قَبِيلٍ وَ مَا قَاطِعُوا سُبُلِ الْمَعْرُوفِ؟ قَالَ: الرَّجُلُ يَصْنَعُ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفَ فَيَكْفُرُهُ فَيَمْتَنِعُ صَاحِبُهُ مِنْ أَنْ يَصْنَعَ ذَلِكَ إِلَى غَيْرِهِ [كافی، ج ۴، ص ۳۳]. هر کس به مسلمانان آفرین بگوید خداوند متعال تا قیامت برایش آفرین می نویسد.
[آیین همسر داری، صفحه ۳۶۳]. قَالَ الصَّادِقُ (ع): مَنْ قَالَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مَرْحَبًا كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مَرْحَبًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ [كافی، ج ۲، ص ۲۰۶]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفَوْا بِعِزِّكُمْ اللَّهُ [كافی، ج ۲، ص ۱۰۸]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): عَلَيْكَ بِالرَّفْقِ وَ الْعَفْوِ فِي غَيْرِ تَرْكٍ لِلْحَقِّ [تحف العقول، ص ۲۵]. قَالَ الْبَاقِرُ (ع): النَّدَامَةُ عَلَى الْعَفْوِ أَفْضَلُ وَ أَيْسَرُ مِنَ النَّدَامَةِ عَلَى الْعُقُوبَةِ [كافی، ج ۲، ص ۱۰۸]. قَالَ الصَّادِقُ (ع): مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَ لَوْ شَاءَ أَنْ يَمْضِيَهُ أَمْضَاهُ أَمَلًا اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رِضَاهُ [كافی، ج ۲، ص ۱۱۰]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ وَ اخْتَسَبَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ (بِكُلِّ مَرَّةٍ) يَصْبِرُ عَلَيْهَا مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا أُعْطِيَ أَيُّوبَ عَلَى بَلَائِهِ [ثواب الأعمال، ص ۲۸۷]. اختلافات خانوادگی، صفحه ۷. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا اللَّهُ مِثْلَ ثَوَابِ آسِيَةَ بِنْتِ مِرْحَمٍ [مکارم الأخلاق، ص ۲۱۳]. إِذَا حَيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا [نساء / ۸۶]. هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ [الرحمن / ۶۰]. اصل اختلاف سلیقه و تضارب افکار رمز شکوفایی استعدادها و روشن شدن نقاط ضعف و قوت است. وَ لَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا وَ تَصِيَلُوا بَيْنَ النَّاسِ [بقره / ۲۲۴]. خدا را در بعضی سوگندهای خود قرار ندهید. برای اصلاح نیکوکاری سوگند بی تفاوت بودن یاد نکنید. میان داماد و دختر عبد الله بن رواحه یکی از یاران پیامبر اکرم (ص) اختلاف شد. او سوگند یاد کرد که برای اصلاح دخالت نکند. آیه نازل شد که این سوگندها بی اثر است. [نمونه، ج ۲، ص ۹۹]. امام صادق (ع) بودجه‌ای در اختیار مفضل برای حل اختلافات مردم قرار داد.

نمونه هایی از الگوهای خانواده

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ [احزاب / ۲۱]. در هوای گرم حضرت علی (ع) وارد منزل شد و دید زنی لب در خانه ایستاده و می گوید: إِنْ زَوْجِي ظَلَمَنِي وَ أَخَافَنِي وَ تَعَدَّى عَلَيَّ وَ حَلَفَ لِيضْرِبَنِي فرمود: صبر کن تا هوا خنک شود، برویم به سراغ او. خانم گفت: يَسْتَدُّ عَضْبُهُ وَ حَرَدُهُ عَلَى فَطَاطٍ رَأْسُهُ ثُمَّ رَفَعَهُ وَ هُوَ يَقُولُ لِمَا وَ اللَّهُ أَوْ يُوَحِّدُ لِلْمَظْلُومِ حَقَّهُ غَيْرَ مُتَعَتِّعٍ [اختصاص مفید، ص ۱۵۷]. در همان روز داغ به در خانه شوهر رفتند. مرد از خانه بیرون آمد و آقا را نشناخت، ولی گفت: مَا أَنْتَ وَ ذَاكَ وَ اللَّهُ لِلْأَحْرَقَتِهَا لِكَلَامِكَ [اختصاص مفید، ص ۱۵۷]. حضرت فرمود: آمُرُكَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَاكَ عَنِ الْمُنْكَرِ تَسْتَقْبِلُنِي بِالْمُنْكَرِ وَ تَتَكَبَّرُ الْمَعْرُوفَ [اختصاص مفید، ص ۱۵۷]. مردم کم کم آمدند به حضرت با جمله یا امیرالمؤمنین خطاب کردند. شوهر همین که آقا را

شناخت، روی پای آقا افتاد و عذرخواهی کرد. حضرت شمشیرش را غلاف کرد و به زن فرمود: یا اُمّهُ اللّهِ اذْخُلِيْ مَنزِلَكَ وَ لَا تُلْجِئِيْ زَوْجِيْكَ اِلٰی مِثْلِ هٰذَا وَ شَبِيْهِه [اختصاص مفید، ص ۱۵۷]. همین که یوسف در جلسه مهمانی دید که برادرانش شرمنده هستند، فرمود: این شما بودید که مرا به عزیزی رساندید. شخصی به امام حسن مجتبی (ع) ناسزا گفت، ولی امام به او لباس و مرکب و مال داد و او عوض شد. فقیر همین که دید در مسجد کسی به او پول نداد. آب دهان به ریش کاشف الغطاء پرتاب کرد، ولی آقا پا شد و فرمود: هر کس ریش مرا دوست دارد به فقیر کمک کند. حضرت یعقوب (ع) فرمود: ای یوسف! حالا بگو برادرها با تو چه کردند؟ عرض کرد؛ پدر جان این را نپرسید، بلکه بپرس لطف خدا با تو چه کرد؟ وَقَدْ أَحْسَنَ بِيْ اِذْ اَخْرَجْتَنِيْ مِنَ السِّجْنِ [یوسف / ۱۰۰]. اِنَّ مِنْ اَزْوَاجِكُمْ وَ اَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوْهُمْ وَ اِنْ تَغْفُوْا وَ تَصِفُوْا فَانَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ [تغابن / ۱۴] وَ اِنَّ امْرَاةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوْرًا اَوْ اِغْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا اَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ [نساء / ۱۲۸].

رفتار متقابل دو همسر فداکار (حضرت زهرا و حضرت علی علیهما السلام)

شرم و حیا در کنار همسر

حیا دو گونه است: یکی پسندیده و دیگری ناپسند. حیا ناپسند آن حالتی است که انسان را از رشد، کمال یابی و رسیدن به حقوق بازمی دارد و یا باعث تضییع حقوق دیگری می گردد. چنین صفتی در روایات اسلامی به شدت تقبیح گردیده است ... و همچنین در آداب همسراری آمده است که حیا دو گونه متصور است: یکی مطلوب، دیگری مذموم و نامطلوب. حیا مذموم آن حالتی است که یکی از زوجین را در استیفای حقوق طرف مقابل بازدارد و قید و بندی شود در مسائل زوجیت و سایر امور مربوطه ... و لذا حضرت امام باقر (ع) می فرمایند: زن خوب، زنی است که در خلوت با شوهرش، حیا را نیز از تنش خارج کند، و سپس در شرایط عادی، حیا را نیز مانند لباس به اندامش بپوشاند. حضرت فاطمه (س) در طول مدت شوهرداری خود با امیرالمؤمنین (ع)، در هیچ فرصتی حریم آن حضرت را نادیده نگرفت و در مورد شخصیت آن بزرگوار کوتاهی نکرد. تا جایی که امیرالمؤمنین در این باره می فرمایند: «فوالله ما اغضبتهما ... و لا اغضبتنی و لاعصت لی امرأاً و لقد كنت انظر اليها فتنكشفت عني الهموم والاحزان.» سوگند به خدا زندگی با صفای من و فاطمه (س) طوری بود که نه من او را به خشم آوردم و نه او مرا به خشم آورد و نافرمانی کرد، حتی غصه های دیگرم با حضور او و تماشای جمالش برطرف می گردید. این حدیث شریف که از دل آتشین علی (ع) در فراق فاطمه (س) برخاسته است، نشان می دهد که دختر رسول خدا (ص) تا چه میزانی در اطاعت شوهر بود و کوچکترین اسائه ی ادب از او دیده نشد. در جای دیگری از امیرالمؤمنین می خوانیم که آن حضرت زن و بچه هایش را در وضع بسیار اسفناک گرسنگی دید، به فاطمه (س) گفت: چرا از وضع خود و درد گرسنگی بچه هایم مرا آگاه نساخته ای؟ فاطمه (س) در جواب فرمودند: «یا ابالحسن! انی لاستحیی من الهی ان اكلفك ما لاتقدر علیه!» یا ابالحسن (ع)! من از خدایم شرم و حیا می کنم تو را به کاری بگمارم که قدرت تهیه آن را نداری. اگر چه تأمین رفاه زندگی زن و بچه برای شوهر در حد معمول واجب است، ولی روح ایثارگری خاندان رسالت و ولایت در تمام ابعاد زندگی، باعث شده بود که خانواده ی امیرالمؤمنین (ع) پیوسته در فقر و پریشانی بسر برند و لذا فاطمه (س) از وضع مالی شوهرش آگاه بود، و می دانست که وی قدرت تهیه مایحتاج خانه را ندارد. از این جهت شرم و حیا حضرت فاطمه (س) که از ایمان و اعتقاد او به خدا سرچشمه می گرفت می گوید: «من از خدایم شرم می کنم» ... این درسی است به تمام بانوان محترم که گرفتار زرق و برق و تشریفات کمرشکن روزگار فاجعه آمیز ما نگردند و درآمد و امکانات شوهرانشان را مراعات کنند

...

وفاداری و حمایت همیشگی از همسر

فاطمه‌ی زهرا (س) در خانه‌ی یکی از افراد عادی اجتماع زندگی نمی‌کرد، بلکه در خانه‌ی دومین شخص اسلام؛ یعنی سپهسالار شجاع و نیرومند اسلام و وزیر و مشاور مخصوص نبی گرامی (ص) زندگی می‌کرد. موقعیت حساس اسلام و شوهرش را بخوبی درک می‌کرد و می‌دانست که اگر شمشیر علی (ع) نباشد، اسلام چندان پیشرفتی ندارد. فاطمه (س) در یکی از مواقع بسیار حساس و بحرانی اسلامی در خانه‌ی علی (ع) زندگی می‌کرد. سپاه اسلام همیشه در حال آماده باش بود. در هر سال چندین جنگ واقع می‌شد و علی بن ابی‌طالب (ع) در تمام یا اکثر آن جنگها شرکت داشت. زهرای عزیز از مسئولیت سنگین و حساس خودش خبر داشت و از حدود تأثیر و نفوذ زن در روحیه‌ی شوهر کاملاً مطلع بود. می‌دانست که زن دارای چنان نفوذ و قدرتی است که به هر طرف خواست شوهرش را می‌برد. می‌دانست که ترقی، عقب‌ماندگی، سعادت و بدبختی مرد تا حد زیادی، به روحيات و چگونگی رفتار زن بستگی دارد. خبر داشت که خانه به منزله‌ی سنگر و آسایشگاه مرد است و وقتی از میدان مبارزات زندگی، برخورد با حوادث و مشکلات دنیای خارج خسته شد، به آنجا پناه می‌برد تا تجدید نیرو کند و خودش را برای کار و انجام وظیفه آماده نماید و ریاست این آسایشگاه مهم به عهده‌ی زن واگذار شده است.

تواضع و فروتنی حضرت زهرا (س) در مقابل همسر

تواضع حضرت زهرا (س) در خانه‌ی حضرت علی (ع) و احترام او به حضرت علی (ع) در حدی بود که وقتی ماجرای فشار بین در دیوار و بستری شدن حضرت زهرا (س) در رابطه با مخالفت او با خلفا رخ داد، عمر و ابوبکر چندین بار از حضرت علی (ع) تقاضا کردند تا واسطه شود، که آنها به حضور حضرت زهرا (س) بیایند و احوالپرسی کنند و رضایت او را به دست آورند، سرانجام علی (ع) ضامن شد که آنها را نزد فاطمه (س) ببرد. حضرت علی (ع) نزد فاطمه (س) آمد و تقاضای آنها را مطرح کرد، ولی فاطمه (س) به شدت این تقاضا را رد کرد، حضرت علی (ع) فرمود: من از طرف آنها ضامن شده‌ام که از تو اجازه بگیرم. در این هنگام حضرت زهرا (س) در برابر علی (ع) - در چنان شرایطی - آن چنان تواضع کرد که گفت: «اگر از طرف آنها چیزی را ضامن شده‌ای، خانه‌ی توست و من در هیچ چیز با رأی تو مخالفت نمی‌کنم». البته وقتی آنها وارد شدند حضرت جواب سلام آنها را ندادند و از آنها روی بر گرداندند و فرمودند: خدا را شاهد می‌گیرم از این دو نفر راضی نیستم.

سازش با مشکلات و سختی‌ها در طول زندگی

رسول خدا (ص) فرموده‌اند از برکات اخلاقی و فکری زن خوب این است که هزینه و مخارجش کم باشد، و در اداره‌ی خانه و صرفه جویی در مصرف، یاور و همکار شوهر به حساب آید. تمام این ویژگیها در وجود مبارک حضرت زهرا (س) جمع بود و آن حضرت با مدیریت لازم و با صبر و بردباری، همه‌ی تلخیها را به کام علی (ع) شیرین می‌کرد و در برابر مشکلات مالی عقب‌نشینی نمی‌نمود. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «تزوجت فاطمه (س) و ما کان لی فراش، و صدقتی الیوم لو قسمت علی بنی‌هاشم لو سعتهم». من در حالی با حضرت زهرا (س) ازدواج کردم، که زیراندازی در خانه نداشتم، در حالی که در همان تاریخ احسان و بخشش من به نیازمندان به قدری زیاد بود که اگر به بنی‌هاشم تقسیم می‌شد همه‌ی آنان را غنی و بی‌نیاز می‌کرد. این حدیث نشان می‌دهد که فاطمه (س) دختر پیامبر (ص) با چه مشکلاتی در خانه علی (ع) دست و پنجه نرم کرده و خم به ابرو نیاورده است. و در یک روایت دیگر از طریق امام صادق (ع) از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که: روزی رسول خدا (س) به خانه دخترش فاطمه (س) وارد شد، ولی زهرا (س) را در حالتی دید، که در نتیجه چشمان مبارکش پر از اشک گردید، زیرا لباس آن حضرت بسیار نامناسب بود. زهرا با آن وضع از یک طرف مشغول آرد کردن جو و تهیه‌ی نان و از طرف دیگر به بچه‌اش شیر می‌داد، پیامبر الهی (ص) فرمودند: ای دختر عزیزم! اینگونه تلخی‌ها را در دنیا برای رسیدن به پاداش و شیرینیهای آخری پذیرا باش و صبر و بردباری

را از دست نده. آن بانوی گرامی اسلام گفتند: «یا رسول الله الحمد لله علی نعمائه، والشکر علی آلائه فانزل الله تعالی و لسوف یعطیک ربک فترضی. ای رسول خدا (ص)! سپاس خدایی را که نعمتهایش را ارزانی داشته و باز شکر در برابر عطایای بی پایان الهی. در این حال این آیه نازل شد که: ای پیامبر (ص)! ما آن قدر پاداش خواهیم داد که راضی شوی. این حدیث و قضیه ی تاریخی نشان می دهد که فاطمه (س) دختر رسول خدا (ص) در برابر مشکلات و نارساییهای مالی هیچ گونه تغییری نداشت و سپاس الهی را به جا می آورد. حضرت زهرا (س) در کنار سایر تحملات خود در برابر سختیها، روزهای زیادی را به گرسنگی گذرانید، ولی دردش را به کسی نگفت و حتی به رخ علی (ع) نیاورد و تا دم مرگ و شهادت چیزی از شوهر درخواست نکرد. دختر پیامبر (ص) در خانه ی مولی علی (ع) با سختیها انس گرفت و درد گرسنگی چشید، بچه هایش را نیز با این روش عادت داد، تا رنگ رخسارشان از ناتوانی و گرسنگی زرد شد... حضرت امام باقر (ع) از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کنند که روزی پیامبر خدا (ص) وارد خانه ی دخترش شد و پس از سلام و احوالپرسی فرمود: «مالی اری وجهک اصفر؟ قالت: یا رسول الله! الجوع... چرا رنگ رخسارت این قدر پریده است؟ فاطمه (س) گفت: ای پیامبر خدا (ص)! از گرسنگی به این حالت افتاده ام... این حدیث نشان می دهد که وضع فاطمه ی زهرا (س) از گرسنگی به جایی رسیده بود، که رنگ رخسارش تغییر یافته بود، و پدر بزرگوارش با دیدن او نگران گردیده و از عوامل پریشانی درونی و تغییر چهره سؤال نموده است. و از سوی دیگر می دانیم که آن بانوی عزیز اسلام تا به یک حالت اضطراری نمی رسید، گرسنگی خود را حتی به پدرش رسول گرامی اسلام (ص) نیز نمی گفت. در یک داستان دیگر آمده است: پیامبر الهی روزی به خانه علی بن ابیطالب (ع) آمد، تا با فرزندانش دیدار کند، در این هنگام با امام حسن و امام حسین (ع) ملاقات نمود، آنان زبان به شکوه باز کردند و گفتند: ای رسول خدا (ص)! به مادرمان بسپار که به ما غذا دهد و ما را گرسنه نگه ندارد. رسول خدا (ص) که خود در این حال از درد گرسنگی سنگ به شکمش بسته بود، به فاطمه (س) گفت: اطعمی ابنی قالت: «ما فی بیتی شیء الا برکه رسول الله... به بچه های من طعام ده. زهرا (س) گفت: در خانه ام چیزی جز برکت شما نیست... چون پیامبر خدا (ص) سخن زهرا (س) را شنید، با آب دهانش بچه ها را به بازی گرفت و مشغول کرد و از این طریق آنان را به خواب شبانه وادار ساخت... از این حدیث نیز استفاده می کنیم که فاطمه ی زهرا (س) در طول خانه داریش چه روزگار سختی را گذرانیده و گرسنگی را برای خود و فرزندانش پذیرا گشته است.

جهاد زن در راه خدا!

موسی بن جعفر (ع) می فرماید: جهاد زن این است که خوب شوهرداری کند. حضرت زهرا (س) می دانست که سپهسالار نیرومند و شجاع اسلام در صورتی در میدان نبرد پیروز می گردد که از جهت اوضاع داخلی خانه، فکرش آزاد و از تشویقات و مهربانی های همسرش دلگرم باشد. از این رهگذر می توان گفت: هنگامی که سپهسالار فداکار اسلام یعنی علی بن ابی طالب (ع) با تنی خسته و کوفته، از میدان نبرد به خانه بازمی گشت از مهربانی ها، دلگرمی ها و نوازش های همسر عزیزش کاملاً برخوردار می شد. زخم های تنش را مداوا می کرد. لباس های خون آلود جنگ را می شست و خبرهای جنگ را از او می شنید. فاطمه (س) زنی نبود که در گوشه منزل به ادامه زندگی داخلی مشغول باشد و از حوادث و اوضاع مربوط به اسلام بی تفاوت بگذرد. بلکه از گوشه و کنار تاریخ، استفاده می شود که در جریان امور مربوط به اسلام بوده و بالأخص به حوادث جبهه و جنگ کاملاً عنایت داشته است. نه تنها پدر و شوهرش را تشویق می نموده بلکه در مواقع لزوم در صحنه حضور داشته و کارهایی را انجام می داده است. در تاریخ نوشته اند: بعد از جنگ احد، وقتی فاطمه (س) صورت خون آلود پدر را دید او را در بغل گرفته، گریه می کرد و خونها را از چهره پدر پاک می کرد. امیرالمؤمنین (ع) آب آورد و فاطمه صورت پدر را می شست، ولی خون قطع نمی شد، سرانجام فاطمه (س) قطعه حصیری را سوزاند و خاکسترش را روی زخم ریخت تا خون قطع شد. نوشته اند وقتی رسول خدا (ص) از جنگ احد برگشت شمشیرش را به فاطمه

(س) داد و فرمود: خون‌هایش را بشوی. علی بن ابی طالب (ع) نیز شمشیرش را به فاطمه (س) داد و فرمود: خون‌هایش را بشوی. فاطمه (س)، همیشه شوهرش را تحسین و تشویق می‌کرد، فداکاری‌ها و شجاعت‌هایش را می‌ستود، بدینوسیله دلش را گرم و برای جنگ آینده آماده‌اش می‌نمود و به وسیله‌ی نوازشهای بی‌شائبه، تن خسته و جراحات بدنش را تسکین می‌داد. علی (ع) می‌فرماید: وقتی به خانه می‌آمدم و به زهرا (س) نگاه می‌کردم تمام غم و غصه‌هایم برطرف می‌شد. فاطمه (س) هرگز بدون اجازه علی (ع) از خانه خارج نشد. هیچگاه او را غضبناک نکرد. زیرا می‌دانست که اسلام می‌گوید: هر زنی که شوهرش را غضبناک کند خدا نماز و روزه‌اش را قبول نمی‌کند تا این که شوهرش راضی شود. فاطمه (س) در خانه‌ی علی (ع) هرگز دروغ نگفت، خیانت نکرد و هیچگاه از دستوراتش سرپیچی ننمود. علی (ع) می‌فرماید: به خدا سوگند هرگز کاری نکردم که فاطمه (س) غضبناک شود. فاطمه (س) هم هیچگاه مرا خشمناک ننمود. پاکدامنی و عفاف حضرت زهرا (س) روزی پیامبر (ص) و فاطمه (س) نشسته بودند که مردی نابینا اجازه ورود خواست قبل از ورود آن مرد، فاطمه (س) برخاست و خود را پوشانید. پیامبر (ص) به فاطمه (س) فرمود: چرا خود را پوشانیدی آن مرد نابینا است؟ فاطمه (س) پاسخ داد: بله پدر ولی من که او را می‌بینم و هر چند او نابیناست اما بوی مرا استشمام می‌کند. رسول خدا (ص) فرمود: شهادت می‌دهم که تو پاره تن من هستی. روزی رسول خدا (ص) در جمع یاران نشسته بود، از آنان پرسید: ارزنده‌ترین و گرامی‌ترین زینت برای زنان چیست؟ به گفته انس بن مالک کسی از صحابه نتوانست پاسخ گوید. علی (س) با وجودی که پاسخ آن را می‌دانست، دوست داشت پاسخ آن را از زبان حضرت فاطمه (س) بشنود به خانه رفت و این سؤال را با همسرش در میان نهاد و حضرت فاطمه زهرا (س) فرمود: «بهترین زینت برای زن آن است که مردان او را نبینند و آنها نیز مردان را نبینند». علی (ع) بسوی پیامبر (ص) بازگشت و پاسخ فاطمه (س) را برای حضرت بیان کرد رسول خدا (ص) فرمود: «فاطمه (س) درست گفته چرا که او پاره‌ی تن من است» آراستگی و معطر بودن برای همسر برای زن سزاوار نیست در رسیدگی به وضع ظاهریش کوتاهی کند و باید به خاطر همسرش به خود و سر و وضعش برسد، ولو اینکه گردنبنندی را در گردن خویش بیاویزد و نیز پسندیده نیست که دستش را بدون رنگ رها کند، ولو اینکه مختصر حنائی بگذارد گرچه سالخورده باشد. در زندگی حضرت فاطمه زهرا (س) نقل می‌کنند که ام‌سلمه همسر پیامبر (ص) از حضرت زهرا (س) پرسیدند، آیا عطر و بوی خوش ذخیره کرده‌اید؟ فرمودند: آری، مقداری عطر آوردند و در کف دست من ریختند، بوی خوشی داشت که هرگز به مشام نرسیده بود. پیامبر اکرم (ص) به عمار یاسر مأموریت داد، برای شب عروسی حضرت زهرا (س) عطرهای خوشبو تهیه نمایند، عمار یاسر می‌گوید: عطر خوبی تهیه کرده به منزل حضرت فاطمه (س) بردم و گفتم پدر شما، رسول خدا (ص) مرا امر کرد تا این عطر را فراهم نمایم.

ایثار در شوهرداری

فاطمه‌ی زهرا (س) در تمام زمینه‌های عملی، برای بانوان و پیروانش الگوی زندگی است و از جمله شوهرداری و جلب رضایت او می‌توان از سیره‌ی آن حضرت درسها گرفت و صفا و صمیمیت کانون خانواده را دو چندان کرد. روزی امیرالمؤمنین علی (ع) از فاطمه (س) طعام خواست، آن حضرت جواب داد: «ما کانت الا ما اطعمتک منذ یومین، آثرت به علی نفسی و علی الحسن والحسین (ع)، فقال: الا- اعلمتني فاتيتکم بشيء؟ فقالت: يا ابالحسن اني لاستحيي من الهی ان اکلفک ما لا تقدر علیه!» «در نزد من چیزی نیست، جز آنکه دو روز پیش آن را برای شما آوردم و من آن را برای خود و حسن و حسین (ع) نگه داشته بودم. علی (ع) فرمودند: چرا در طول دو روز مرا مطلع نکرده‌ای، تا برایتان چیزی تهیه می‌کردم؟ فاطمه (س) گفت: من از خدایم شرم کردم تو را به کاری بگمارم که قدرت انجام آن را نداری. و در عبارتی دیگر اینکه: پدرم به من سفارش کرده که از علی (ع) چیزی درخواست نکن، هرچه او آورد، استفاده کن، وگرنه تحمل بنما. از این حدیث درسهای زیادی می‌گیریم، از جمله اینکه فاطمه (س)

خود و فرزندانش گرسنگی کشیده غذا را برای پدر گذاشته اند، و این حرکت تعجب آمیز، ایثار و عشق و علاقه‌ی شدید زهرا (س) به آن حضرت را می‌رساند، هرچند ممکن است نسبت به بچه‌های کوچک نیز غذا و طعامی غیر از آن داده باشد.

حفظ آبروی خانواده

یکی از ویژگیهای حضرت فاطمه (س) این بود که آن بزرگوار در حفظ حریم خانواده، بویژه شوهرش فوق‌العاده حساس بود و تمام مشکلات و نارسائی‌ها را تحمل می‌نمود، ولی خم به ابرو نیاورد و آبروی علی (ع) را حفظ می‌کرد. با اینکه شخصیت فاطمه (س) در جهان اسلام جایگاه خاصی داشته و دارد، ولی او در انتقال از خانه پدر به خانه‌ی شوهر، به یک خانه‌ی محقر و دورافتاده‌ی استیجاری که صاحب آن حارثه بن نعمان بود، پناه برد و دور از هرگونه امکانات زندگی، با خاکهای نرم، اتاق عروسی را صاف کرد و هرگز محرومیت را به رخ علی (ع) نکشید و به دیگران نیز نگفت. امیرالمؤمنین (ع) برای رفع گرسنگی خانواده‌اش، به سراغ خانه‌ی یک مرد یهودی به نام شمعون رفت و مشکل خود را با او در میان گذاشت و چنین فرمود: «هل لك ان تعطینی جزء من الصنفوف تغزلها لك ابنة محمد بثلاثة اصوع من شعیر؟ قال: نعم، فاعطاه فجاء بالصنفوف والشعیر و اخبرها فقبلت و اطاعت ثم عمدت «... آیا تو مقداری از پشم را در برابر سه کیلو جو در اختیار من قرار می‌دهی تا دختر پیامبر خدا (ص) - فاطمه‌ی زهرا (س) - آن را برایت بریسد؟ شمعون گفت: بلی. آنگاه علی (ع) پشم و جو را گرفت و به خانه آورد و جریان را به آن بانوی بزرگوار گفت، آن حضرت نیز کار استیجاری را پذیرفت، و شروع بکار کرد...»

تقسیم کار در خانه

خانواده‌ای در زندگی موفق می‌گردد، که به طور مشترک و برای رسیدن به اهداف مقدس در کانون خانواده تلاش کنند و هیچکدام از زن و شوهر از کار، گریزان نباشد، ولی باید شئون و وظایف مشخص باشد و هریک به تناسب توان، تخصص و حوصله‌ی خویش، انجام کاری را به عهده بگیرد... حضرت علی (ع) و فاطمه (س)، برای تقسیم کار به حضور پیامبر خدا (ص) رسیده و درخواست نمودند: آن حضرت تکلیف هریک را در امور خانه مشخص فرمایند. چنانچه حضرت امام باقر (ع) می‌فرمایند: رسول خدا (س) نیز چنین تقسیم کار کردند: «فقضى علی فاطمه (س) بخدمة مادون الباب و قضی علی علی (ع) بما خلفه...» به امیرالمؤمنین (ع) دستور دادند کارهای خارج خانه را انجام دهند و به دخترش فاطمه (س) نیز فرمودند که او کارهای داخل خانه را اداره نمایند و آن بانوی دو عالم از این تقسیم کار شدیداً خوشحال شد. و امام صادق (ع) می‌فرمایند: «كان امیرالمؤمنین یحتطب و یستقی و یکنس و کانت فاطمه تطحن و تعجن و تخبز.» «جدم امیرالمؤمنین (ع) در انجام کارهای خانه، همزم جمع می‌کرد، آب می‌کشید و می‌آورد و خانه را جارو می‌فرمود و مادرم زهرا (س) نیز جوها را آرد می‌کرد، سپس خمیر می‌نمود و آنگاه نان می‌پخت. از این دو حدیث استفاده می‌شود که حضرت امیرالمؤمنین (ع) و فاطمه‌ی زهرا (س) با انضباط خاص، وظایف خانه را انجام می‌دادند و کار آنان مشخص بود و در عین حال مولای متقیان علی (ع) علاوه بر کارهای خارج از خانه، در امور داخلی خانه نیز به همسرش کمک می‌کرد. کلمه‌ی «یکنس: جارو می‌کرد» به این موضوع دلالت دارد. در حدیث داریم که روزی رسول خدا (ص) وارد خانه‌ی دخترش زهرا (س) شد و مشاهده کرد که دختر و دامادش هر دو مشغول کارند و به کمک یکدیگر در کنار آسیاب دستی نشسته و به آرد کردن می‌پردازند، پس از سلام و احوال‌پرسی فرمودند: ائیکما أعیی؟ کدامیک خسته‌تر اید تا من به جای او بنشینم و کار را به پایان برسانم؟! علی (ع) عرض کرد: یا رسول‌الله (ص)! دخترت فاطمه (س)... این حدیث نیز می‌رساند که حضرت امیرالمؤمنین (ع) به کارهای مربوط به داخل خانه به فاطمه (س) کمک می‌کرد... حضرت زهرا (س) علاوه بر اینکه امور مربوط به خانواده را در داخل و خارج خانه با شوهرش تقسیم کرده بود، با خادمه‌ی اهل بیت علیهم السلام جناب فضاة نیز

کارهای خویش را به طور منظم و با تناوب انجام می‌دادند. اگر فِضَه یک روز کار می‌کرد، روز دیگر استراحت می‌نمود و حضرت خود به کارها می‌پرداخت. اینک توجه شما را به یک واقعه تاریخی در این زمینه جلب می‌کنم: حضرت سلمان می‌گوید: وارد خانه علی (ع) شدم، ناگاه مشاهده کردم دختر پیامبر (ص) مشغول دستاس و آرد کردن است، او در این کار آن چنان به زحمت افتاده بود، که دستهایش ورم کرده بود. در حالیکه حضرت امام حسین (ع) - که کودکی صغیر بود- از گرسنگی بی‌تابی می‌کرد. سلمان می‌گوید: دلم به حال او سوخت و لذا اظهار داشتیم: ای دختر رسول خدا! چرا از فِضَه کمک نمی‌گیری؟ حضرت جواب داد: پدرم او را به من سفارش کرده است، من باید با او به عدالت رفتار کنم ما کارها را ما بین خود تقسیم کرده‌ایم یک روز او کار می‌کند و روز دیگر من و امروز نوبت استراحت او می‌باشد. سلمان می‌گوید: گفتم: من آزاد شده‌ی پدر تو هستم، اجازه ده من به جای تو این کار را انجام دهم. تا اینکه به آرد کردن مشغول شدم و وقت نماز رسید، آماده‌ی رفتن به مسجد شدم، بعد از اقامه نماز آنچه را دیده بودم به مولایم علی (ع) گفتم. آن حضرت چون سخنان مرا شنید، شروع به گریه کرد و سپس به سراغ فاطمه (س) رفت و با تبسم برگشت و گفت: دیدم فاطمه (س) خوابیده و حسین (ع) نیز در کنار مادرش در خواب می‌باشد و آسیاب دستی بدون مباشرت کسی کار می‌کرد، پیامبر خدا (ص) تبسم کنان فرمودند: یا علی (ع)! برای خداوند در روی زمین ملائکه‌ای است که به محمّد و آل محمّد (ص) خدمت می‌کنند. این قضیه می‌رساند که نظم و تقسیم کار در تمام شئون زندگی حضرت فاطمه (س) حاکم بود.

عشق و علاقه شدید حضرت زهرا (س) به امیرالمؤمنین (ع)

فاطمه (س) با الهام از دستورات الهی پدر بزرگوارش، نسبت به امیرالمؤمنین (ع) فوق‌العاده علاقه‌مند بود و هرگز برخلاف رضای او گام بر نمی‌داشت و برخورد و زندگیش با مولا- علی (ع) طوری بود، که غمها و غصه‌های وارده در بیرون از خانه، با دیدار فاطمه (س) بر طرف می‌شد، و حضرت علی (ع) خود در این باره می‌فرمایند: «فوالله ما اغضبتها، ولا اكرهتها علی امر حتی قبضها الله عزوجل، ولا اغضبتنی، ولا عصت لی امرا، ولقد كنت انظر اليها فتنكشفت عني الهموم والاحزان.» سوگند به خدا، من هرگز زهرا (س) را به خشم نیاوردم و او را به کاری مجبور نساختم، تا اینکه مرا در فراقش گرفتار ساخت و متقابلاً او نیز مرا خشمگین نساخت، و هیچ وقت نافرمانی نکرد و هرگاه من با او دیدار می‌کردم، غمها و غصه‌هایم از دل برطرف می‌شد. این حدیث از عشق و علاقه‌ی شدید متقابل دو همسر معصوم حکایت می‌کند، که در طول زندگی آنان نه تنها کوچکترین اختلافی پیش نیامده است، بلکه مشکلات خارجی و اجتماعی با دیدار محبت‌آمیز مرتفع می‌گردید. به همین جهت بود، که چون امیرالمؤمنین (ع) را به زور و اجبار برای بیعت با غاصبین خلافت به مسجد آوردند، آن بانوی دو عالم به دنبال علی (ع) در کنار قبر رسول خدا (ص) قرار گرفت و فرمود: «هر آینه اگر پسر عمویم علی (ع) را رها نسازید، سوگند به خدا موهام را پریشان نموده و پیرهن پدرم را بر سر گرفته و شما را نفرین می‌کنم...» این روایت که از طریق امام صادق (ع) از حضرت سلمان نقل شده، آمده است: «در این هنگام آثار بالای آسمانی پدیدار گشت و سلمان از فاطمه (س) شفاعت کرد که آن حضرت نفرین ننماید، همزمان علی (ع) را نیز آزاد کردند...» «عن ابی‌عبدالله (ع): لما استخرج امیرالمؤمنین (ع) من منزله خرجت فاطمه (س) حتّی انتهت الی القبر فقالت: خلّوا عن ابن عمّی فوالذی بعث محمداً (ص) بالحق لئن لم تخلّوا عنه لانشرن شعری و لاضرعن قمیص رسول الله (ص) علی رأسی و لاضرخن الی الله...» قال سلمان: فرأیت والله اساس حیطان المسجد تقلّعت من اسفلها...» و در یک روایت دیگر آمده است که حضرت زهرا (س) اگر چه در بستر بیماری بود و غمها و غصه‌های فراوانی که در اثر فشار و جنایت مهاجمین خونخوار به خانه‌ی آن حضرت پیش آمده بود، وی را فراگرفته بود، ولی پیوسته به یاد علی (ع) و آینده آن بزرگوار در تشویش و اضطراب بسر می‌برد، و حتی در هنگام مرگ سکران موت را فراموش کرده و در مورد مصائب آتی امیرالمؤمنین (ع) گریه می‌کرد. چنانچه حضرت امام صادق (ع) نقل

می‌کنند: «لما حضرت الوفات بکت، فقال لها امیر المؤمنین (ع): یا سیدتی! ما یبکیک؟ قالت: ابکی لما تلقی بعدی! فقال: لا تبکی فوالله ان ذلك لصغیر عندی» ... چون وقت شهادت فاطمه (س) فرا رسید شروع به گریه کرد، حضرت علی (ع) با یک تعبیر عالی و تعجب‌آمیز پرسید: «ای سرور» من چرا گریه می‌کنی؟! جواب داد: برای آن مشکلاتی که بعد از من با آنها مواجه خواهی شد. حضرت فرمودند: تو گریه نکن همه‌ی اینها برای من آسان است. تعبیر: «یا سیدتی» در این حدیث، نشان عظمت فاطمه‌ی زهرا (س) از دیدگاه امیر المؤمنین (ع) است و همچنین گریه فاطمه (س) برای علی (ع) آن هم در حال مرگ و سكرات آن، که معمولاً هر کسی به فکر خود می‌باشد، شدت علاقه‌ی فاطمه (س) به امیر المؤمنین (ع) را در بر دارد. و بالاخره چون خبر شهادت زهرا (س) را به علی (ع) دادند، آن حضرت در حال حرکت به زمین افتاد و هرچه خواست بلند شود ممکن نشد. و در نقلی دیگر حالت غشوه به او دست داد. همه‌ی این احادیث و قضایای تاریخی نشان می‌دهد، که در میان علی (ع) و فاطمه (س) محبت، عشق و علاقه‌ی فوق‌العاده‌ای حاکم بود، که در فراق فاطمه (س)، علی (ع) به حالت غشوه می‌افتد و صبر و توانش به ناتوانی و کم‌صبری تبدیل می‌گردد، فاطمه (س) نیز هرگز علی (ع) و یاری علی (ع) را فراموش نمی‌کند. و در هنگام سكرات مرگ که لحظات بسیار دشواری به حساب می‌آید، به یاد گرفتاری و مصائب آن حضرت اشک می‌ریزد.

کار طاقت‌فرسای امیر المؤمنین (ع) جهت امرار معاش

روزی رسول خدا (ص) به منزل فاطمه (س) تشریف برد. دید حسن و حسین (ع) منزل نیستند. احوالشان را پرسید. فاطمه (س) عرض کرد: امروز در خانه‌ی ما چیزی برای خوردن وجود نداشت. علی (ع) وقتی خواست بیرون برود، فرمود: حسن و حسین (ع) را با خودم بیرون می‌برم، مبادا گریه کنند و از تو مطالبه‌ی غذا نمایند. رسول خدا (ص) در جستجوی علی (ع) بیرون رفت. او را در نخلستان یافت، که مشغول آب‌کشی بود. حسن و حسین (ع) را مشغول بازی دید و مقداری خرما نیز در نزدشان بود. به علی (ع) فرمود: قبل از اینکه هوا گرم شود حسن و حسین را به خانه بر نمی‌گردانی؟ عرض کرد: یا رسول الله وقتی از خانه خارج شدم غذایی در خانه نداشتیم. صبر کنید تا قدری خرما برای فاطمه (س) تهیه کنم. من با این یهودی قرار گذاشته‌ام در مقابل هر دلو آب یک دانه خرما بگیرم. وقتی قدری خرما تهیه شد آنها را در دامن ریخت و حسن و حسین (ع) را برداشت و به منزل بازگشت.

رضایت فوق‌العاده امیر المؤمنین (ع) از حضرت زهرا (س)

حضرت علی (ع) از فاطمه‌ی زهرا (س) فوق‌العاده راضی و خشنود بود، زیرا آن حضرت یک انسان معصوم و بی‌لغزش بود و هرگز کاری برخلاف رضای امیر المؤمنین (ع) انجام نمی‌داد، ولی در عین حال فاطمه (س) در هنگام فراق، در ضمن وصایای خود به آن حضرت، قلب مبارک علی (ع) را بار دیگر از خود راضی نمایند و لذا عرض کرد: «ای پسرعموی پیامبر (ص)! من هرگز به تو دروغ نگفتم، خیانت نکردم و به مخالفت تو برنخاستم.» علی (ع) چون این سخنان را شنید فرمود: «معاذ الله انت اعلم بالله و ابر و اتقی و اکرم و اشدّ خوفاً من الله قد عزّ علیّ مفارقتک و تفقّدک الا- انه امر لا بد منه» ... پناه به خدا، تو نسبت به امور و احکام الهی داناتری، نیکوکاری، تقوا، تقرب و خشیت تو نسبت به خدا بیشتر است. این را بدان که جدایی و مفارقت تو فوق‌العاده برای من سنگین است، ولی این کار چاره‌پذیر نیست. این فرازها نشان می‌دهد که آن بانوی گرانقدر، آن قدر برای مولای متقیان علی (ع) عظمت قائل است، که در مقام کسب رضایت خاطر مولا بوده است، هرچند کار خلاف و قصور جزئی نیز از او صادر نشده بود. به این مناسبت بود که امیر المؤمنین (ع) چون پیکر پاک فاطمه (س) را بر خاک سپرد، دست دعا به سوی آسمان برداشت و در حق زهرا (س) چنین دعا کرد: «اللهم انی راض عن ابنه نبیک، اللهم انّها قد اوحت فأنسها، اللهم انّها قد هجرت فصلها، اللهم انّها قد ظلمت فاحکم لها و انت خیر الحاکمین.» خدایا! من از دختر پیامبرت (ص) راضی هستم. بارها! فاطمه (س) نگران و مضطرب بود،

تو او را آرامش بخش، خداوند! زهرا (س) از دوستان و فرزندان مفارقت کرد، تو او را وصل کن. پروردگارا! به فاطمه (س) ظلم کردند، تو خود حاکم باش که تو بهترین حکم کننده‌ای. همه‌ی این فرازها نشان می‌دهد که فاطمه‌ی زهرا (س) با داشتن مقام عصمت نسبت به حقوق شوهر چقدر ارزش قائل بوده و چه‌سان نگران بوده است که نسبت به مقام بلند شوهرش علی بن ابیطالب (ع) مسئول باشد و لذا علی (ع) رضایت خویش را در مورد فاطمه (س) اعلان می‌نماید... به همین جهت حضرت امام باقر (ع) می‌فرماید: «برای زن هیچ شفاعتی به اندازه‌ی رضایت شوهر مفید و ثمربخش نیست»....

استفاده از تجربه‌ی مشورت در زندگی

در زندگی آن حضرت از کودکی تا هنگام وفات و شهادت کسانی مسئولیت سرپرستی و مشاوره با آن حضرت را داشته‌اند. بعد از رحلت مادر بزرگوارشان خدیجه‌ی کبری (س)، سرپرستی و سپس مشاورت آن حضرت بر عهده‌ی فاطمه بنت اسد (س) گذاشته می‌شود تا سال چهارم هجرت یعنی سالی که امام حسن مجتبی (ع) به دنیا آمدند در این سال بعد از رحلت فاطمه بنت اسد (س) امر مشاوره و همفکری حضرت زهرا (س) به ام سلمه محول می‌شود و ام سلمه (س) تا زمان شهادت حضرت زهرا (س) در کنار ایشان بوده است. نکته‌ی مورد توجه در این ماجرا این است که پیامبر اکرم (ص) حتی بعد از ازدواج حضرت زهرا (س) مشاوره را برای ایشان لازم می‌دانند. وقتی مسئله شنیدنی‌تر می‌شود که ما زهرا (س) را دارای مقام عصمت بدانیم. نکته دیگر اینکه آنهایی که تأسی به حضرت زهرا (س) را برای خود فرض و حتم می‌دانند باید متوجه باشند که انسان همیشه محتاج مشاوره است. و این نکته برای نوعروسان جای دقت بسیار دارد.

تفریح و گفتگوهای دلنشین حضرت زهرا (س) و امیرالمؤمنین (ع)

«روی ان الامام علی بن ابی طالب (ع) کان ذات یوم هو و زوجته فاطمه (س) یا کلان تمرأ فی الصحراء، إذ تداعبا بینهما بالکلام، فقال علی (ع): یا فاطمه إن النبی (ص) یحبنی أكثر منك. فقالت: واعجباً منك! یحبک أكثر منی و أنا ثمره فؤاده و عضو من اعضائه و غصن من اغصانه و لیس له ولد غیری؟! فقال له علی (ع) یا فاطمه إن لم تصدقینی فأمضی بنا الی ابیک محمد (ص). قال: فمضینا الی حضرته (ص) فتقدمت و قالت: یا رسول الله أینا أحب إلیک انا أم علی؟ قال النبی (ص): أنت أحب إلی و علی (ع) اعز علی منک. فعندها قال سیدنا و مولانا الإمام علی بن ابی طالب (ع) الم اقل لک: أنا ولد فاطمه ذات التقی؟ قالت فاطمه (س): و أنا ابنة خدیجه الکبری. قال: و انا ابن الصفا. قالت: انا ابنة سدره المنتهی، قال: و أنا فخرالوری قالت: و انا ابنة من دنی فتدلی و کان من ربه قاب قوسین او ادنی... روایت شده که روزی حضرت علی (ع) و همسرش حضرت زهرا (س) به صحرا رفتند به هنگام خوردن خرما با گفتن کلماتی مزاح کردند. علی (ع) فرمود: ای فاطمه (س)! رسول خدا (ص) مرا بیشتر دوست می‌دارد. حضرت زهرا (س) گفت: از سخن تو در عجبم! آیا می‌شود پیامبر اکرم (ص) تو را بیش از من دوست داشته باشد در حالی که من میوه‌ی دل او و عضوی از پیکرش و شاخه‌ای از شاخسارش می‌باشم و غیر از من فرزندی ندارد؟! علی (ع) فرمود: ای فاطمه (س)! اگر سخن مرا قبول نداری بیا تا نزد پدرت حضرت رسول (ص) برویم! سپس آن دو با هم نزد پیامبر (ص) رفتند. حضرت فاطمه (س) گفت: ای رسول خدا (ص)! کدام یک از ما دو نفر نزد تو محبوب‌تریم؟ من (س) یا علی (ع)؟! رسول خدا (ص) فرمود: تو نزد من محبوب‌تری و علی (ع) از تو برای من عزیزتر است. به دنبال فرمایش حضرت رسول (ص) علی (ع) گفت: آیا من به تو نگفتم که فرزند فاطمه‌ی باتقوایم؟ زهرا (س) فرمود: من نیز دختر خدیجه‌ی کبرایم. علی (ع) گفت: من فرزند صفایم. فاطمه (س) گفت: من دختر سدره المنتهی می‌باشم. علی (ع) گفت: من فخر کائناتم. فاطمه (س) گفت: من دختر کسی هستم که به خدا نزدیک و نزد او آن چنان گرامی شد که گویی به فاصله دو تیرکمان یا نزدیک تر، به پدرش قرار گرفت... از روایت فوق‌الذکر و نقل این ماجرای

تاریخی حداقل می‌توانیم نتیجه بگیریم که حضرت زهرا (س) و علی (ع) تفریح داشته‌اند.

توصیه‌ی حضرت زهرا (س) به امیرالمؤمنین (ع) در ازدواج با امامه

برای امیرالمؤمنین علی (ع) با وجود حضرت زهرا (س) تجدید فراش و تعدد زوجات جایز نبود، بنابراین آن حضرت در زندگی مشترکی که با فاطمه (س) داشت نه تنها به این فکر نیفتاد، بلکه از هر کاری که موجب ملال خاطر آن مخدّره می‌شد، اجتناب کرد. از حضرت ابوذر آمده است که در حبشه به جعفر طیار برادر امیرالمؤمنین (ع) کنیزی اهدا شد، که جعفر (ع) پس از ورود به مدینه آن را به حضرت علی (ع) اهدا کرد، که از وجود او در کارهای جزئی خانه استفاده شود. علی (ع) احساس کرد؛ ممکن است حضور او در خانه‌ی امیرالمؤمنین (ع) برای فاطمه‌ی زهرا (س) ملال‌آور باشد، از این جهت مولای متقیان او را آزاد ساخت... فاطمه (س) نیز متقابلاً از امیر المؤمنان رضایت کامل داشت و سعی می‌کرد حقوق شوهرش را به طور کامل انجام دهد و مشکلی برای حضرت پیش نیاید... حتی برای پیشگیری از مشکلات آینده و بعد از وفات او سفارش کرد با دختر خواهرش امامه که دختر شایسته و خوبی بود، ازدواج کند، تا هم مشکل نداشتن همسر جبران گردد و هم در اثر علاقه و عاطفه‌ی قرابتی، تنهایی و یتیمی فرزندان زهرا (س) تا حدودی تأمین شود. متن وصیت حضرت زهرا (س) در این مورد: «یا بن عم رسول الله! اوصیک اولا ان تتزوج بعدی بانه اختی «امامه» فانها تکون لولدی مثلی، فان الرجال لا یبد لهم من النساء.» ای پسر عموی پیامبر (ص)! نخستین وصیت من این است که بعد از من با دختر خواهرم امامه ازدواج کن، زیرا او برای فرزندانم مثل من مهربان است و از سوی دیگر، داشتن همسر برای مردان یک ضرورت محسوب می‌گردد. این حدیث که با عبارات مختلف در منابع شیعه و سنی آمده، می‌رساند که فاطمه (س) در استیفای حقوق شوهر، حتی دوران پس از وفاتش را نیز در نظر می‌گیرد و شوهرش را به انتخاب همسر سفارش می‌کند، زیرا چنانچه در حدیث به طور منصوص العله اشاره گشته، معمولاً مرد بدون زن و زن بدون شوهر، نمی‌تواند زندگی مطلوب داشته باشد از این جهت حضرت علی (ع) بعد از شهادت حضرت فاطمه (س)، در مدت کمتر از یک هفته با امامه ازدواج نموده و زندگی مشترک با وی را شروع کرد.

رفتار با فرزند

انتخاب بهترین نام‌ها برای فرزندان

یکی از وظایف اولیّه والدین در برابر فرزندان خود و یکی از هدیه‌های ماندگار والدین به فرزند انتخاب نام نیکو و ارزشی برای آنها است. پیروی از اسوه‌های انسانیت، در همه‌ی مراحل و شئون زندگی سفارش شده است. چرا که اقتدای به خوبان، زندگی را پر از خیر و خوبی می‌سازد و غذای روحی و کمالات انسانی را به سرعت در انسان احیاء می‌گرداند. از جمله سفارش شده است، نام کودکان بر اساس نام ناموران صالح و شایسته انتخاب گردد که این امر علاوه بر آثار مثبت روانی برای کودکان، نوعی احیاء و بزرگداشت نام زنان و مردان صالح روزگار است و به تصدیق روایات، دارای آثار وضعی نیز می‌باشد. حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) در این خصوص دقت و حساسیتی خاص داشت و نام فرزندان خود را از طریق هدایت گریه‌های پیامبر اکرم (ص) انتخاب می‌نمود، نامهایی که حتی در معنای لفظی نیز زیبایی و ملاحظت دارند. در یکی از روایات نام حضرت زهرا (س) به عنوان نام با برکت معرفی شده که از خانه و خانواده، فقرزدائی می‌کند. «قال الامام کاظم (ع): لا یدخل الفقر بیتا فیه اسم محمّد او احمد او علی او الحسن او الحسین او جعفر او طالب او عبدالله او فاطمه من النساء.» امام کاظم حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌فرمایند: در خانه‌ای که نام محمّد یا احمد یا علی یا حسن و حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه باشد فقر وارد نمی‌شود.

عقیقه دادن و گفتن اذان در گوش نوزاد

صدقه و عقیقه ی قربانی (که در واقع می توان آن را بیمه ی سلامتی شمرد) از مستحباتی است که در اسلام، تأکید زیادی بر آن شده است. نقل شده است که فاطمه (س) هر گاه صاحب فرزند می شد، برای او گوسفندی عقیقه می داد، سپس روز هفتم، سر طفل را می تراشید و برابر وزن موهای او نقره صدقه داده، برای قابله و همسایه ها هدیه می فرستاد و دیگران را در شادی خود سهیم می کرد. یکی دیگر از سنت های جاری در زندگی صدیقه ی کبری (س) گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ فرزند بود. آن حضرت به خوبی می دانست که باید کودک را از همان لحظات اول زندگی با کلماتی چون الله، محمد، نماز ... آشنا کرد که این آشنایی، به یقین در جهت گیری تمایلات روحی او به ملکوت اعلی اثر خواهد گذاشت.

اظهار محبت نسبت به فرزندان

در نزد دانشمندان فنّ تربیت و روانشناسان، این مطلب به اثبات رسیده که اطفال در تمام دوران کودکی، به محبت و اظهار علاقه نیازمندند. کودک می خواهد پدر و مادر بیش از دیگران، او را دوست بدارند و نسبت به او اظهار علاقه نمایند. کودک چندان توجهی ندارد که در کاخ زندگی می کند یا در کوخ، لباس و خوراکش خیلی اعلا است یا نه. اما بدین موضوع کاملاً توجه دارد که دوستش دارند یا نه. این احساس درونی کودک را چیزی جز اظهار محبت و نوازش ارضا نمی کند. سرچشمه ی اخلاق و شخصیت آینده ی او همین اظهار محبت ها است. همین آغوش گرم مادر و نوازشهای مخلصانه ی پدر است که روح بشر دوستی و علاقه ی به هم نوع را در کودک می دمد، برای اظهار همدردی و کمک به دیگران آماده اش می سازد، همین نوازشهای بی شائبه است که کودک را از ترس و تنهایی و ضعف نجات می دهد و به زندگی امیدوار می سازد. همین مهرورزیها و بوسه های بی شائبه است که روح خوشبینی و خوشخویی را به او تلقین می کند و او را به سوی زندگی اجتماعی، تعاون و همکاری هدایت می نماید. از عزلت گوشه گیری نجاتش می دهد. به واسطه ی همین نوازشها است که کودک احساس شخصیت می کند و خودش را لایق دوستی می داند. کودکی که از جهت محبت کمبود داشته باشد، معمولاً ترسو، خجول، ضعیف، بدبین، گوشه گیر، بی علاقه و پژمرده و حتی مریض بار می آید. گاهی هم ممکن است برای اظهار عکس العمل و نشان دادن بی نیازی، دست به اعمالی نظیر جنایت، دزدی و قتل نفس بزند تا بدین وسیله از اجتماعی که او را دوست ندارد، انتقام گیرد و تظاهر به بی نیازی کند. پس محبت و نوازش کودک یکی از احتیاجات ضروری او بشمار می رود و برای پرورش او ضرورت دارد. درس مذکور در خانه ی زهرا (س) به طور کامل اجرا می شد و پیغمبر اکرم (ص) عملاً آنرا به فاطمه (س) یاد می داد. روایت شده: وقتی امام حسن (ع) به دنیا آمد او را در پارچه ی زردی پیچیده خدمت رسول خدا (ص) آوردند. فرمود: مگر به شما نگفتم: نوزاد را در پارچه ی زرد پیچید؟ سپس لباسهای زرد حسن (ع) را دور انداخت و او را در پارچه ی سفیدی پیچید. در بغل گرفت و شروع کرد به بوسیدن و همین عمل را، نسبت به امام حسین (ع) نیز انجام داد. روایت شده روزی رسول اکرم (ص) به نماز جماعت مشغول بود. هر گاه به سجده می رفت، امام حسین (ع) بر پشت او سوار می شد و پاهایش را حرکت می داد. وقتی می خواست سر از سجده بردارد حسین (ع) را می گرفت و به آرامی کنار می گذاشت. هنگامی که دوباره به سجده می رفت، باز امام حسین (ع) بر شانه ی آن جناب سوار می شد، پیغمبر (ص) او را می گرفت و کنار می گذاشت. پیغمبر (ص) با همین کیفیت نمازش را به پایان رسانید. یک نفر یهودی که جریان را مشاهده می کرد عرض کرد: شما نسبت به کودکانتان طوری رفتار می کنید که ما از آن امتناع داریم! پیغمبر (ص) فرمود: شما هم اگر به خدا و رسول ایمان داشتید نسبت به کودکانتان طوری رفتار می نمودید. یهودی بواسطه ی این رفتار پیغمبر (ص) مسلمان شد. روزی رسول خدا (ص) امام حسن (ع) را می بوسید و نوازش می کرد «قرع بن حابس» عرض کرد: من ده فرزند دارم ولی تا حال هیچ یک از آنان را

نبوسیده‌ام. پیغمبر اکرم (ص) غضبناک شد و فرمود: اگر خدا محبت را از قلب تو گرفته من چه کنم؟ هر کس نسبت به اطفال ترحم نکند و احترام بزرگسالان را نگه ندارد از ما نیست. روزی رسول خدا (ص) از در خانه‌ی فاطمه عبور کرد، صدای گریه‌ی حسین (ع) را شنید. فاطمه (س) را صدا زد و فرمود: مگر نمی‌دانی گریه‌ی حسین (ع) مرا اذیت می‌کند. «ابوهریره» می‌گوید: روزی پیغمبر (ص)، حسن و حسین (ع) را بر دوش مبارک سوار نموده بود. در بین راه گاهی حسن را (ع) می‌بوسید و گاهی حسین (ع) را. مردی عرض کرد: یا رسول‌الله این دو کودک را دوست داری؟ فرمود: آری. هر کس حسن و حسین (ع) را دوست بدارد با من دوستی نموده و هر کس با آنان دشمنی کند با من دشمنی کرده است. پیغمبر (ص) گاهی به فاطمه (س) می‌فرمود: حسن و حسین (ع) را بیاور. وقتی آنان را خدمت آن حضرت می‌برد، آنها را به سینه می‌چسبانید و مانند گل می‌بوید. ابوهریره می‌گوید: پیغمبر (ص) را دیدم که دهان حسن و حسین (ع) را می‌مکید چنان که خرما را می‌مکند.

توجه به نیازهای کودکان

از عوامل مؤثر در سلامت و نشاط روحی و جسمی فرزندان، تغذیه و بهداشت است. تأمین اینگونه نیازها جسم و روح کودک را آرام و آسوده نگه می‌دارد، سلامتی و صلابت روح او را تا پایان عمر تضمین می‌کند. ناهنجاریهای فراوانی که در انسانهای بزرگ دیده می‌شود، بنوعی ریشه در نیازهای این دوره از زندگی آنها دارد. علاوه بر این، نباید از تأثیرگذاری متقابل روح و جسم غافل بود. بی‌شک، یک جسم بیمار، روح را پژمرده و بی‌نشاط می‌سازد، همانگونه که روح افسرده، موجب اختلال در فعالیت‌های بدن می‌گردد. بارها در تاریخ خوانده‌ایم که گاه، فاطمه‌ی زهرا (س) شکم فرزندان را به قیمت گرسنگی خود، سیر می‌کرد. زمانی که مسلمانان به علت کمبود آب، سخت در مضیقه بودند، فاطمه (س)، حسن و حسین (ع) را نزد پیامبر (ص) برد و عرض کرد ای رسول خدا (ص)! فرزندان من خردسالند و تحمل تشنگی در توان آنها نیست. پیامبر (ص) که نگرانی دخترش را در این رابطه، بجا و به موقع دید، زبان مبارکش را در دهان حسن و حسین (ع) قرار داد و با تر کردن دهان آنها، حضرت زهرا (س) را از نگرانی درآورد و آن دو طفل کوچک را نیز از تشنگی مفرط نجات داد. عطوفت و مهر مادری در حضرت زهرا (س) بقدری بود که در لحظات پایانی عمر خود، سخت نگران حال فرزندانش بود. شاید بیشترین نگرانی آن حضرت برای محرومیت آنها از مادر بود، زیرا او می‌دانست که پس از شهادتش، هیچکس نمی‌تواند مهر و محبت مادری را نسبت به آنها داشته باشد. فاطمه‌ی زهرا (س) برای اینکه فرزندانش از این نعمت بزرگ یعنی محبت مادرانه، کاملاً محروم نمانند، به حضرت علی (ع) پیشنهاد کرد و از ایشان خواست که پس از او، کسی را به همسری انتخاب کند، که بتواند از عهده‌ی این مهم برآید. پس از رحلت رسول گرامی (ص)، مقداری از غمهای حضرت زهرا (س) به محرومیت فرزندان از محبت پیامبر (ص)، مربوط می‌شد و گاهی با قلبی سوزان، خطاب به فرزندانش چنین می‌گفت: کجا رفت پدرتان، پیامبر (ص) که شما را عزیز می‌داشت؟ او شما را بر دوش خود سوار می‌کرد و به شما مهربانی می‌نمود. کجا رفت جد بزرگوارتان که از همه به شما مهربانتر بود، آن گونه که نمی‌گذاشت شما بر روی زمین راه بروید و همیشه شما را در آغوش خود داشت؟ آه! که دیگر او را نمی‌بینم که شما را بر دوش گرفته باشد.

توجه به بازی و تحرک کودکان

علی‌رغم اینکه ظهور اسلام در محیطی کاملاً بی‌فرهنگ و دور از تمدن بود، اما برنامه و شیوه‌های ارائه شده از طرف اولیای دین، همیشه با انسانها از هر تمدن و فرهنگی سازگار است. از جمله مواردی که در شیوه‌ی تربیت حضرت زهرا (س) جایگاه خاصی داشت، تحرک و بازی کودکان بود. این فعالیت و تکاپو به قدری برای سلامتی و رشد مناسب کودک، ضروری است که حتی برای تشویق آنها به تحرک و بازی، بزرگترها نیز باید تن به بازی و جست و خیز بدهند. بازی در دوران کودکی به منزله‌ی واکنش

کودک در برابر عوامل محیطی و بروز استعدادهاى نهفته‌ی اوست که تأثیرات آن در کنار تقویت جسم و افزایش بنیه‌ی کودک، قابل توجه است. همچنین بازی، در پرورش نیروی ابداع و ابتکار کودک بی‌نهایت مؤثر است. بنابراین غفلت از بازی به هیچ وجه به صلاح کودک و والدین او نیست. همبازی شدن رسول معظم اسلام (ص) با فرزندان دخترش زهرا (س) بیانگر این نکته‌ی مهم است که بازی و تحرک کودک، یکی از لوازم تربیت صحیح محسوب می‌شود. حضرت علی و فاطمه (ع) در خانه به بازی بچه‌ها توجه کافی مبذول می‌داشتند و همین امر، موجب شادابی و نشاط روزافزون آنها می‌شد. در مقابل، خانه‌هایی که برای کودک، محیط مناسب و دلنشین برای بازی و تحرک نیست، در روحیه و شخصیت اعضای خردسال آن خانه، اثر نامطلوبی دارد، نباید فراموش کرد که تحرک و بازی، اقتضای طبیعت و سن کودک است و پدر و مادر وی وظیفه دارند شرط و لوازم این مهم را برای کودکان خود فراهم سازند. حضرت فاطمه (س) از همان کودکی با فرزندان همبازی می‌شد، و به این نکته نیز توجه داشت که در بازی، نوع الفاظ و حرکات مادر، سرمشق کودک، قرار می‌گیرد؛ بنابراین باید از کلمات و جملات مناسبی استفاده کرد. علاوه بر این باید در قالب بازی‌های کودکانه شخصیت کودک را تقویت نمود، او را به داشتن افتخارات و ارزشهای اکتسابی، تحریک و تهییج کرد. اینها همه مرهون در پیش گرفتن شیوه‌های صحیح در این رابطه است.

استفاده از جاذبه شعر در تربیت کودکان

شکی نیست که لالائیهای دوره کودکی جاذبه‌ی خاصی همراه با حلاوت فراموش‌نشده‌ی در ذهن انسان داشته و در تقویت و تثبیت ارزشهای اخلاقی، اجتماعی و حتی ارائه الگو و اسوه شخصیتی می‌تواند، نقش خطیر ایفا نماید، بنابراین حضرت زهرا (س) این عنصر تربیتی را با استفاده از ذوق شعری خویش به بهترین وجه به کار می‌گرفت و اشعار سرشار از مضامین بلند را در ساعات بازی بچه‌ها می‌خواند که آنها را سرگرم کرده و مفاهیم والای ارزشی را به فرزندانش تلقین می‌کرد. به عنوان نمونه خطاب به امام حسن مجتبی (ع) می‌فرمود: اشبه اباک یا حسن و اخلع عن الحلق الرسن و اعبد الها ذالمنن و لا توال ذا الاحسن یعنی ای حسن جان همچون پدرت - علی (ع) باش و ریسمان را از اطراف حق بردار. خداوند صاحب نعمتها را پرستش کن و با افراد کینه‌توز دوستی مکن. در جای دیگر خطاب به امام حسین (ع) این سروده را می‌خواندند: انت شبیه بابی لست شبیها بعلی عزیز دلم - تو به پدرم رسول الله شباهت داری شبیه پدرت علی (ع) نیستی. در حالی که حضرت زهرا (س) این شعر را خطاب به امام حسین (ع) می‌خواندند و با او بازی می‌کردند حضرت علی (ع) شنیدند و تبسم کردند.

ارج نهادن به شخصیت فرزندان

دانشمندان روانشناس می‌گویند: تربیت‌کننده باید شخصیت کودک را پرورش دهد و اعتماد به نفس را به او تلقین کند. او را بزرگ نفس و با شخصیت بار بیاورد. مربی اگر به کودک احترام نگذاشت و او را کوچک شمرد و شخصیت او را خرد کرد، طبعاً ترسو و بی‌شخصیت بار می‌آید و خودش را زبون و بی‌ارزش می‌پندارد. هنگامی که بزرگ شد خودش را کوچکتر از آن می‌داند که به کارهای بزرگ اقدام کند. چنین فردی در اجتماع منشأ اثر واقع نخواهد شد و به آسانی زیر بار ذلت خواهد رفت. اما اگر خودش را بزرگ و با شخصیت دانست، به کارهای پست، تن نمی‌دهد و زیر بار خواری و ذلت نمی‌رود. این شخصیت نفسانی تا حدودی، به تربیت خانوادگی و روحیات پدر و مادر بستگی دارد. روانشناسان برای تقویت روحی کودک مطالبی را به تربیت‌کنندگان توصیه می‌کنند که از جمله‌ی آنها موضوعات زیر است: اول - اظهار علاقه، محبت و نوازش کودک. این موضوعی است که در ابتدای سخن بدان اشاره شد. و گفتیم که حسن و حسین (ع) از جهت محبت پدر و مادر و رسول خدا (ص) به قدر کافی برخوردار بودند. دوم - باید صفات خوب کودک را یادآوری کرد و او را در حضور خودش و دیگران تعریف و توصیف نمود. و

بزرگی نفس را به او تلقین کرد. رسول خدا (ص) بارها می‌فرمود: حسن و حسین (ع) بهترین جوانان اهل بهشتند و پدرشان از آنان بهتر است. پیغمبر اکرم (ص) به حسن و حسین (ع) می‌فرمود: شما ریحان خدایی هستید. «ابوبکر» می‌گوید: پیغمبر (ص) روی منبر نشسته بود و حسن (ع) در پهلویش قرار داشت. گاهی به مردم نگاه می‌کرد و گاهی به حسن (ع)، و می‌فرمود: فرزندم حسن (ع)، آقا و بزرگ است، به برکت او در بین امت صورت گیرد. «جابر» می‌گوید: روزی داخل خانه‌ی رسول خدا (ص) شدم دیدم حسن و حسین (ع) بر پشت آن حضرت سوارند و آن جناب با دست و پا راه می‌رود و می‌فرماید: بهترین شتر، شتر شما است و بهترین سوار شما یید. «یعلی عامری» می‌گوید: رسول خدا (ص) روزی حسین (ع) را دید که با بچه‌ها بازی می‌کند، پس دست مبارکش را دراز کرد تا او را بگیرد. حسین (ع) به این طرف و آن طرف می‌دوید. پیغمبر اکرم با شوخی و تبسم او را در بغل گرفت. آنگاه یکی از دستهایش را زیر چانه‌ی او و دست دیگرش را پشت گردن نهاد و دهان مبارکش را بر لبهای او گذاشته می‌بوسید و می‌فرمود: حسین (ع) از من و من از حسینم، هر کس او را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است. حسین (ع) فرزند دختر من است. علی بن ابی طالب (ع) به حسن و حسین (ع) می‌فرمود: شما پیشوای مردم و بزرگ جوانان اهل بهشتید و از ارتکاب گناه معصومید. خدا لعنت کند کسی را که با شما دشمنی کند. حضرت فاطمه روزی حسن و حسین (ع) را خدمت رسول خدا آورد و عرض کرد: یا رسول‌الله حسن و حسین (ع) فرزند شما هستند. چیزی به ایشان عطا کن. فرمود: هیبت و سیادت خود را به حسن (ع) بخشیدم، و شجاعت وجود خودم را به حسین (ع) دادم. «سلمان فارسی» می‌گوید: حسین (ع) را دیدم که بر زانوی رسول خدا (ص) نشسته بود. او را می‌بوسید و می‌فرمود: تو بزرگ و بزرگ‌زاده و امام و پسر امام و پدر امامان هستی. تو حجت، پسر حجت و پدر نه حجت می‌باشی که آخرشان قائم عجل الله تعالی فرجه است. آری پیغمبر اکرم (ص) در پرورش شخصیت اولاد زهرا (س) کوشش می‌کرد و زهرا و علی (ع) نیز از همین برنامه متابعت می‌کردند. هرگز نشد که کودکان را تحقیر کنند و شخصیت آنها را در حضور دیگران کوچک سازند. و ضربه و شکست بر روحشان وارد نمایند. بدین علت، طبعاً بزرگ و آقا تربیت شده‌اند. روایت شده که شخصی مرتکب گناهی شد که مستوجب کیفر بود، پس خودش را از رسول خدا (ص) پنهان داشت تا گاهی که حسن و حسین (ع) را در بین راه ملاقات نمود، آنان را بر دوش گرفته خدمت رسول خدا (ص) مشرف شد؛ عرض کرد: یا رسول‌الله حسن و حسین (ع) را شفیع قرار دادم. پیغمبر اکرم (ص) خندید و فرمود: ترا بخشیدم. سپس به حسن و حسین (ع) فرمود: شفاعت شما را قبول کردم. برای همین عظمت و بزرگی نفس بود که حسین بن علی (ع) با سپاه مختصری که داشت، در مقابل سپاه بیشمار یزید پایداری کرد و مردانه جنگ نمود و تن به ذلت و خواری نداد. می‌فرمود: مانند بندگان فرار نمی‌کنم و تسلیم خواری و ذلت نمی‌شوم. در اثر همین تربیت بود که زینب کبری (س) با آن همه مصیبت‌هایی که دید خود را در قبال دستگاه ستمگر یزید لعنه الله و العذاب نباخت و مرعوب آنان نشد و به وسیله‌ی خطابه‌های شورانگیزش شهر کوفه و شام را منقلب ساخت و دستگاه جبار و خونخوار یزیدیان را رسوا و مفتضح ساخت.

توجه دادن فرزندان به رعایت نظم و حقوق دیگران

از دیگر مطالبی که باید همواره مورد توجه و دقت پدر و مادر و سایر مربیان قرار گیرد که مراقب کودک باشند تا از حق خودش تجاوز نکند و حقوق دیگران را نیز محترم بداند. کودک باید منظم باشد. باید نظم در زندگی را به او یاد داد. باید چنان تربیت شود که نه از گرفتن حش عاجز باشد و نه حقوق دیگران را پایمال کند. البته شالوده‌ی این صفت در خانه و به دست پدر و مادر ریخته می‌شود، پدر و مادر باید نسبت به تمام کودکان یک جور رفتار کنند، هیچ یک را بر دیگری مقدم ندارند. بین پسر و دختر و کوچک و بزرگ و زشت و زیبا و خوش‌فهم و بدفهم فرق نگذارند. حتی در مورد اظهار محبت و علاقه هم با همه‌ی آنان یک جور رفتار کنند. تا حس حسد و کینه‌توزی در بین‌شان به وجود نیاید. و سرکش و متجاوز بار نیابند. اگر کودک دید در خانه‌ی

خودشان کاملاً حقوق افراد مراعات می‌شود، می‌فهمد که در اجتماع هم باید حقوق افراد را محترم شمرد. اما اگر در خانه هرج و مرج بود و حقوق افراد مراعات نشد، خوی سرکشی و تجاوز در کودک تقویت می‌شود. اگر کودک در مغازه‌ی نانوایی، یا در موقع سوار شدن به اتوبوس، یا در هنگام رفتن به کلاس و بیرون آمدن از مدرسه، نوبت دیگران را رعایت نکرد و حق سایرین را تضییع نمود، پدر، مادر و یا مربیان دیگر او را در این عمل تشویق کردند، به آن کودک معصوم خیانت نموده‌اند، زیرا از آغاز کودکی می‌پندارد که زورگویی و تعدی بر دیگران و تقدّم بی‌جهت، یک نوع زرنگی و هنر است. چنین فردی وقتی وارد اجتماع شد یا در رأس کاری قرار گرفت، تمام مقصدش کوبیدن و پایمال کردن حقوق دیگران خواهد بود و به غیر از نفع شخصی خودش هیچ هدف و منظوری نخواهد داشت. درس مراعات حقوق دیگران به طور کامل در خانه‌ی حضرت زهرا (س) اجرا می‌شد. به قدری در این باره دقت می‌شد که حقوق و نظم را در کوچکترین موارد مراعات می‌کردند. از باب نمونه: علی بن ابی‌طالب (ع) می‌فرماید: روزی پیغمبر اکرم (ص) در منزل ما استراحت می‌کردند، حسن (ع) آب خواست. رسول خدا برخاست قدری شیر دوشید و در ظرفی کرده و دست حسن (ع) داد. حسین (ع) از جای خویش بلند شد خواست کاسه‌ی شیر را از دست حسن (ع) بگیرد، اما پیغمبر اکرم (ص) جلو حسین (ع) را گرفت و نگذاشت شیر را از حسن (ع) بگیرد. حضرت زهرا (س) که این منظره را تماشا می‌کرد عرض کرد: یا رسول‌الله گویا حسن (ع) را بیشتر دوست داری؟ پاسخ داد: چنین نیست، بلکه علت دفاع من از حسن (ع) این است که او حق تقدّم دارد و زودتر از حسین (ع) تقاضای آب کرده، باید نوبت را مراعات نمود.

عدم تبعیض بین فرزندان

پدر یا مادر نباید در میان فرزندان، بدون جهت فرق بگذارند و از این طریق حسادت و کینه‌توزی را در میان آنان ایجاد نمایند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «اعدلوا بین اولادکم کما تحبون ان یعدلوا بینکم فی البرّ واللطف». در میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همانگونه که دوست دارید دیگران در مورد شما به عدالت و محبت رفتار کنند. حضرت فاطمه (س) در پرورش فرزندان عزیز خود طوری رفتار می‌کرد که همه را از عدالت پروری خویش خشنود می‌ساخت و با عواطف محبت‌آمیز مادری تک تک آنان را به این صفت انسانی و اسلامی تشویق می‌کرد. روزی دو فرزند دلبد فاطمه (س)، حسن و حسین (ع) در حضور پیامبر خدا (ص) کشتی گرفته بودند، در این میان فاطمه (س) شنید که پدر بزرگوارش، امام حسن (ع) را به پیروزی بر امام حسین (ع) ترغیب می‌کند، حضرت زهرا (س) بر اساس روح دادگری عرض کرد: پدرجان! فرزند بزرگ را علیه فرزند کوچک تحریک می‌کنی؟ رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: تو اطلاع نداری که برادرم جبرئیل حسینم (ع) را بر حسنم (ع) تحریک می‌نماید. اگر چه رسول خدا (ص) در برابر تحریک جبرئیل (امام حسین (ع) را علیه امام حسن (ع) تحریک می‌کرد) امام حسن (ع) را علیه امام حسین (ع) ولی در ظاهر، حضرت فاطمه (س) را تحریک می‌کرد. از آن اطلاع نداشت و لذا به صورت سؤالی خواسته‌اش را مطرح ساخت و روح دادگری را در مورد فرزندانش نشان داد. و در یک قضیه دیگر آمده است: روزی امام حسن (ع) با امام حسین (ع) در کنار یکدیگر مشغول نوشتن خط بودند و هر یک بر دیگری می‌گفت: خط من بهتر از خط تو است و سرانجام داوری را به مادرشان موکول کردند، ولی آن حضرت برای اینکه دل هیچ کدام را نشکند، از داوری خودداری کرد و موضوع را به امیرالمؤمنین (ع) موکول نمود. امیرالمؤمنین (ع) این قضیه را به پیامبر خدا (ص) و آن حضرت نیز به جبرئیل و به ترتیب، کار داوری به اسرافیل و در نهایت به خدای عالمیان کشیده شد. جبرئیل از جانب خدا ابلاغ کرد، که فاطمه (س) باید بین آن دو داوری کند. آن مادر مهربان و دادگر فرمود: ای فرزندان عزیزم! من دانه‌های این گردنبند را در میان شما به زمین می‌ریزم، هر کس بیشتر آنها را بردارد خط او بهتر است. بلافاصله گردنبند را از گردنش باز کرد و دانه‌های آن را در برابر دو نور دیده‌اش به زمین ریخت و جبرئیل به امر الهی این منظره‌ی زیبا را تماشا می‌کرد، چون آن نور چشمان زهرا (س)، هر کدام به طور مساوی دانه‌ها را برداشتند، جبرئیل به امر

خدا آن یک دانه باقیمانده را دو قسمت کرد و هر کدام یک نصفه را برداشت و دل هیچکدام شکسته نشد. این دو قضیه که نمونه ای از صدها جریان دادگری فاطمه (س) با فرزندانش می‌باشد، می‌رساند که حضرت طوری عمل کرد، که نور دیدگانش ضمن کمال یابی و کمال جویی، نسبت به همدیگر بسیار مهربان و دلسوز باشند، و در برخورد و رفتار خانوادگی احترام یکدیگر را حفظ کنند. به همین جهت بود که امام حسین (ع) احترام خاصی به امام حسن (ع) می‌گذاشت و در حضور او صحبت نمی‌کرد. (ما تکلم الحسین بین یدی الحسن اعظاما له) ... و به خواهرش زینب (س) فوق‌العاده علاقه‌مند بود و به احترام او- با اینکه کوچک‌تر از او بود- از جایش بلند می‌شد. و همچنین محبت و احترام متقابل زینب به برادرانش ...

برخوردار نمودن فرزندان از عواطف پاک مادری

در یکی از روزها بلال در نماز صبح تأخیر کرد و از آن ماند، پیامبر (ص) به او فرمود: «ما حبسک؟ فقال: مررت به فاطمه (س) و هی تصلحن و الصبی بیکی فقلت لها ان شئت کفیتک الریحی و کفیتی الصبی و ان شئت و ان شئت کفیتک الصبی و کفیتی الریحی فقال: انا ارفق با بنی منک فذاک حبسنی فقال فرحمتها رحمک الله.» «چه چیز تو را نگه داشت و مانع شد؟ عرض کرد برخورد به فاطمه (س) کردم در حال آسیاب کردن بود و پسر بچه‌اش گریه می‌کرد به او گفتم: اگر بخواهی من عهده‌دار آسیاب کردن می‌شوم و تو عهده‌دار بچه، اگر هم بخواهی من بچه را نگه می‌دارم و تو آسیاب نمودن را انجام دهی، فرمود: من از تو به پسر مهربانتر و مناسبترم، این کار مرا نگه داشت. پیامبر اکرم (ص) فرمود: پس تو به فاطمه (س) مهربانی کردی خداوند تو را رحمت کند.

امید دادن به فرزندان در اجابت خواسته‌های مشروع

حضرت فاطمه (س) در برخورد با فرزندانش کاملاً مراقب بود و نکات تربیتی را خیلی خوب رعایت می‌کرد. خواسته‌های فرزندان را به گونه‌ای پاسخ می‌داد که آنها احساس کمبود و یا حقارت در خود نکنند. به عنوان مثال، روایتی است از شیخ مفید که حضرت ثامن‌الائمه (ع) فرمود: روزی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) از کهنگی لباس خود به مادر شکایت کردند و ایام عید نزدیک بود، گفتند: ای مادر! اطفال عرب به انواع جامه‌های فاخر مزین گشته‌اند و به آن مفاخرت می‌نمایند. شما چرا از برای ما لباس نو تهیه نمی‌کنید؟ فرمود: عزیزانم من در اندیشه‌ی شما هستم و امیدوارم که تا هنگام عید خیاط لباسهای شما را دوخته به شما برساند. آن دو بزرگوار منتظر بودند تا آنکه شب عید شد، باز همان لباس نو را مطالبه کردند. حضرت فاطمه (س) ایشان را تسلی داد. و به گوشه‌ای آمد از روی خضوع و خشوع دست نیاز به درگاه خداوند بلند کرد و عرض کرد: ای خدای مهربان تو قادری دل فرزندان مرا خوش نمایی به جامه‌ای، که من به ایشان وعده داده‌ام به امید فضل تو. هنوز سخنان فاطمه (س) تمام نشده بود که شخصی در خانه رازد، فاطمه (س) پشت در آمد، فرمود: کیستی؟ عرض کرد، منم خیاط، جامه‌های حسنین (ع) را آورده‌ام. فاطمه (س) زهرا (س) دید شخصی بقیچه‌ای در زیر بغل دارد و تسلیم آن بانو نمود، چون آن را گشود، دید دو عمامه، دو دراعه، دو قبا و دو جفت موزه حضرت صدیقه (س) زبان به شکر و ثنای رب گشود. فرزندان عرض کردند: ای مادر هیچیک از کودکان عرب لباسی بدین لطافت ندیده‌اند و نیوشیده‌اند در آن اثنا رسول خدا (ص) تشریف فرمای سرای فاطمه (س) شد و حسنین (ع) را در بر گرفت و می‌بوسید. پس، فرمود: ای فاطمه (س) این خیاط را شناختی عرض کرد: به خوبی او کسی را ندیدم. حضرت فرمود: آن خازن بهشت بود و تا این قصه را به من خبر نداد به آسمان عروج نمود. مطلبی که از این حدیث برداشت می‌شود، اینکه: امید به فضل خداوند در انسان همیشه باید زنده باشد و و نباید از درگاه خداوند ناامید بود، اگر انسان از خداوند بخواهد و طلب کند خداوند اجابت می‌کند و بندگانش را ناامید از درگاهش بر نمی‌گرداند. و مطلب دیگر که بسیار مهم است: برخورد حضرت، با فرزندان را

نشان می‌دهد، اینکه حضرت به فرزندش دم از فقر و نداری نمی‌زند که بدین وسیله به روحیه‌ی فرزندانش ضربه وارد نشود و احساس کمبود و عقده‌ی حقارت در خود نکند. بلکه فرزندانش را هم با امیدواری به اینکه در آینده، به زودی خواسته‌شان برآورده می‌شود، شاد و خوشحال می‌کند.

توجه به حضور و غیاب فرزندان

بی‌توجهی نسبت به نظارت بر فرزندان بخصوص در رفت و آمدهای آنها نتایج زیانباری به دنبال دارد. با توجه به خطرات و تهدیدهایی که هر لحظه سعادت یک جوان را در معرض نابودی قرار می‌دهد، لازم است رفتار آنها به ویژه موقع ورود به خانه و زمان خروج از آن مورد دقت و بررسی قرار گیرد. گفتنی است که اعتیاد، فساد، انحرافات فکری و بسیاری از خطرات دیگر، از همین بی‌توجهی پدر و مادر آغاز می‌شود. حضرت فاطمه (س) با فداکاری و محبت خاصی که نسبت به فرزندانش نشان می‌داد، مراقب تمام حرکات و سکنات آنها بود و به دقت رفت و برگشتهای آنها را زیر نظر داشت. نقل شده است که روزی پیامبر (ص) عازم خانه‌ی دخترش فاطمه (س) گردید، چون به خانه رسید دید فاطمه (س) مضطرب و ناراحت پشت در ایستاده است. آن حضرت فرمود: چرا اینجا ایستاده‌ای؟ فاطمه (س) با آهنگی مضطرب عرض کرد: فرزندام صبح بیرون رفته‌اند و تاکنون از آنها هیچ خبری ندارم. پیامبر (ص) به دنبال آنها روان شد چون به نزدیک غار کوه رسید آنها را دید که در کمال سلامت و آرامش مشغول بازی‌اند آنها را بر دوش گرفت و به سوی خانه فاطمه (س) روانه شد. این واقعه خود نمونه‌ای گویا از توجه و اهمیت دادن حضرت زهرا (س) به حضور فرزندان خردسالش بود.

آموزش ایمان و تقوی به فرزندان

اشاره

بین دانشمندان بحث و گفتگو است که برنامه‌ی تعلیمات و تربیت‌های دینی از چه موقعی باید درباره‌ی کودک اجرا گردد، گروهی معتقدند که کودک تا به حد بلوغ و رشد نرسد استعداد درک افکار و عقائد دینی را ندارد و نباید تحت تربیت دینی قرار گیرد. گروه دیگری عقیده دارند که اطفال نیز لیاقت و استعداد آن را دارند که تحت تربیت دینی قرار گیرند، و مربیان می‌توانند موضوعات و مطالب دینی را ساده و قابل فهم نمایند و به کودکان تلقین کنند، و آنان را وادار کنند که اعمال و برنامه‌های آسان دین را انجام دهند تا گوششان با مطالب دینی آشنا شود و با اعمال و افکار دینی نشو و نما کنند. اسلام نظریه‌ی دوّم را می‌پذیرد، و دستور می‌دهد که کودکان را از سن هفت سالگی به نماز وادار کنید. پیغمبر اکرم (ص) تلقینات دینی را از همان اوائل کودکی و شیرخوارگی در خانه‌ی زهرا (س) به مرحله اجرا در آورد. هنگامی که امام حسن (ع) به دنیا آمد و او را خدمت رسول اکرم (ص) بردند، وی را بوسید و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت و درباره‌ی امام حسین (ع) نیز همین عمل را انجام داد. امام صادق (ع) می‌فرماید: روزی پیغمبر اسلام (ص) می‌خواست نماز بخواند. امام حسین (ع) پهلویش ایستاده بود، وقتی پیغمبر (ص) خواست تکبیر بگوید، حسین (ع) نتوانست تکبیر بگوید. رسول خدا (ص) تا هفت مرتبه تکبیر را تکرار کرد تا حسین (ع) توانست تکبیر بگوید.

تشویق فرزندان به مسائل دینی و عبادی

یکی از محورهای اساسی که حضرت زهرا (س) بدان توجه و تأکید داشتند، بعد پرستش و گرایش فرزندان به انجام تکلیف عبادی

و الهی بود. آن حضرت شوق بندگی و خضوع در برابر معبود را از همان دوران کودکی در جان فرزندان خود تقویت نموده و آنان را چنان تربیت کرد که بهترین کارها را عبادت خداوند دانسته و از آن بالاترین لذتها را می بردند. دخت گرامی رسول خدا (ص) بر این مطلب تأکید داشت که بچه‌ها را از کودکی به انجام تکالیف فراخواند و آنان را به خدا پیوند دهد و بذریه محبت و ارتباط با معبود را در کام آنان بیفشاند تا انجام تکلیف برای آنان نه تنها رنج و مشقتی نداشته باشد، بلکه با شوق و اشتیاق به استقبال آن بروند. بر این اساس فاطمه (س) فرزندان خود را حتی به شب زنده‌داری عادت می داد. البته او شیوه تربیت را به خوبی می دانست و به گونه‌ای برخورد می کرد که در حدّ توان و استعداد فرزندان باشد. حضرت، در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان کودکان خود را به بیداری و نخفتن وادار می کند. ممکن است کسی تعجب کند که او چگونه بچه‌ها را به این کار که حتی برای اشخاص بزرگ هم زحمت دارد، فرا می خواند. حضرت در روز، بچه‌ها را می خوابانید تا کاملاً استراحت کنند و غذای کمتری به آنان می داد تا بدین گونه زمینه و موقعیت بهتر و مطلوب‌تری از نظر جسمی و روحی برای شب زنده‌داری داشته باشند. او به حدّی در این کار جدّی و قاطع بود که نمی گذاشت احدی از اهل خانه خوابش ببرد و می فرمود: "محروم است کسی که از برکات شب قدر محروم بماند". گویا فاطمه (س) می خواهد از کودکی در قلب پاک فرزندان خود جمال خدا را به تجلی، جان و زبانشان را به حلاوت و شیرینی عبادت آشنا کند، محبوب راستین را به آنان نشان دهد تا در جوانی جذب جلوه‌های دروغین نشوند. این روش تربیتی فاطمه (س) به عنوان یک سنت بسیار پسندیده و قابل اجرا در گفتار امامان معصوم □ نیز به چشم می خورد.

مأنوس نمودن فرزندان به مسجد و دقت در گفتار پیامبر (ص)

روزی حضرت زهرا (س) به فرزندش حسن (ع) که هفت ساله بود فرمود: «به مسجد برو، آنچه را از پیامبر (ص) شنیدی فراگیر و نزد من بیا و برای من بازگو کن». امام حسن (ع) همین کار را کرد و بعد به خانه بازگشت و با سخنرانی شیرین خود بیانات پیامبر (ص) را برای حضرت زهرا (س) بیان نمود. هر وقت علی (ع) وارد خانه می شد. حضرت زهرا (س) را حافظ آیاتی از قرآن که تازه نازل شده بود می یافت، می پرسید: این آیات و علوم تازه را از کجا دریافت کردی؟ می گفت: «از پسر حسن (ع)». روزی حضرت علی (ع) در خانه مخفی شد، حسن (ع) وارد گردید و آنچه را از پیامبر (ص) در مسجد شنیده بود در ضمن سخنرانی برای مادر تعریف کرد، ولی این بار در سخنرانی خود گیر می کرد، فاطمه (س) تعجب کرد، حسن (ع) گفت: «مادرم، شخص بزرگی سخن مرا می شنود، و همین موجب کندی زبان من شده است»، در همین هنگام علی (ع) از مخفیگاه بیرون آمد و پسرش را بوسید.

تعلیم فرزندان به نوع دوستی و رعایت حقوق همسایگان

از جمله روشهای تربیتی حضرت فاطمه (س) نوع دوستی او بوده است، که در برابر چشمان تیزبین فرزندان، به مردم کمک می کرد و خود گرسنه می ماند، ولی دیگران را سیر می نمود. فاطمه (س) گرنبدش را به فقرا ایثار کرد و آنان را مورد نوازش قرار داد و از پول آن پارچه‌ها خریداری شد و برای بی لباسها، لباس مناسب تهیه گردید ... و پرده‌های خانه‌اش در اختیار پیامبر خدا قرار گرفت و از آن عریانها پوشانده شد و حدیث «فاطمه بضعه منی» در حق آن حضرت صادر گشت. آن حضرت نه تنها در مسائل اقتصادی و رفع مشکلات روزمره‌ی مردم پیشگام بود، حتی از نظر اخلاقی، عواطف انسانی، ارشاد، هدایت مردم نیز به کمک آنان می شتافت، مصالح مردم را پی گیری می کرد، در حقّشان دعا می فرمود و از این طریق فرزندان خویش را با چنین عواطف اسلامی پرورش می داد. حضرت امام حسن (ع) می فرماید: شبی مادرم را دیدم که تا صبح به عبادت پرداخت و مرتّب مؤمنین و دیگران را دعا می کرد، ولی در حق خود ساکت بود. از علت آن پرسیدم، فرمود: اول همسایه، سپس خودمان. شبیه این حدیث از امام موسی بن جعفر (ع) صادر گردیده و نشان می دهد که آن حضرت تا چه حدّی سوز اجتماعی و نوع دوستی داشته است و دیگران را بر

خود و خودی‌ها مقدم می‌داشت. و در یک قضیه‌ی تاریخی دیگر آمده است، که فاطمه‌ی زهرا (س) همچون امیرالمؤمنین علی (ع) برای بهبودی حسن و حسین (ع) از مریضی، سه روز روزه نذر کرده بود و هنگام انجام دادن آن، مجبور شد برای یک نفر یهودی بنام «شمعون» در خانه خودش کار استیجاری نموده و از اجرت آن نان جو تهیه نماید... چنانچه در تفسیر سوره‌ی هل اتی (دهر) آمده است فاطمه و علی (ع) و دیگر خانواده‌ی او سه روز روزه گرفتند و هر شب موقع افطار غذای خویش را به ترتیب به: مسکین، یتیم، و اسیر دادند و همین سوره در مناقب آن حضرت و سایر اهل بیت علیهم السلام نازل گشت... اگر امام حسن (ع) سه بار اموالش را با فقرا تقسیم نموده و دوبار خلع ید کرده است. در دامان پر مهر و انسان‌ساز فاطمه (س) پرورش یافته «... خرج من ماله مرتین و قاسم الله ثلاث مّرات ماله» و همچنین فرزندان دیگرش که جای بحث آن نیست.

توجه به سلامتی فرزندان

یکی از عوامل مؤثر در سلامت و نشاط روحی و جسمی کودک، تغذیه سالم، حلال و دوست‌داشتنی برای او یعنی شیر مادر است. که البته این امر، تأثیرگذار در شخصیت انسانهای بزرگ می‌باشد. با دقت در سیره‌ی فاطمه‌ی زهرا (س) در می‌یابیم که امر تغذیه‌ی کودک دقتاً مورد توجه ایشان بوده است. علاوه بر این نباید از تأثیرگذاری متقابل روح و جسم غافل بود، بی‌شک یک جسم بیمار روح را پژمرده و بی‌نشاط می‌سازد، همانگونه که روح افسرده موجب اخلاص در فعالیت‌های بدن می‌گردد. بارها در تاریخ خوانده‌ایم که گاه فاطمه‌ی زهرا (س) شکم فرزندان را به قیمت گرسنگی خود سیر می‌کرد. زمانی که مسلمانان به علت کمبود آب سخت در مضیقه بودند فاطمه (س) حسن و حسین (ع) را نزد پیامبر برد و عرض کرد ای رسول خدا (ص) فرزندان من خردسالند و تحمل تشنگی ندارند پیامبر (ص) که نگرانی دخترش را در این رابطه بجا و بموقع دید زبان مبارکش را در دهان حسن و حسین (ع) قرار داد و با تر کردن دهان آنها حضرت زهرا (س) را از نگرانی درآورد و آن دو طفل کوچک را نیز از تشنگی مفرط نجات داد. یکی از وظایف والدین به ویژه مادر مراقبت از سلامتی جسمی فرزندان است. حضرت زهرا (س) به عنوان مادری نمونه در این مورد نیز حساسیت خاص داشتند که نمونه‌ای از آن در قصه‌ی سوره‌ی هل اتی و مریضی حسنین (ع) و نذر سه روز روزه‌ی فاطمه (س) برای بازگشت سلامتی و صحت به فرزندان خود می‌باشد.

خلاصه‌ی درسهایی از برنامه‌های تربیتی حضرت زهرا (س) نسبت به فرزندان

۱- مادر باید با کودک خود مانوس باشد و با آنان بازی کند. ۲- در حین بازی، یکی از بهترین شرایط برای یادگیری کودک است. ۳- مادر باید در هنگام بازی با کودک به او مطالب اخلاقی را تعلیم دهد. ۴- یکی از بهترین راهها برای آموزش کودکان استفاده از شعر است. ۵- استفاده از شعر برای کودکان جالب و برای فهم و درک مطالب او مفیدتر است. ۶- مربیان و مادران باید به محتوای اشعار کودکان توجه جدی داشته باشند. ۷- در اشعار و ادبیات کودکان، باید آنان را دعوت به نیکی‌های اخلاقی و پیامهای عالی اخلاقی کنیم. ۸- در شعر کودکان باید به او الگو معرفی شود. (اشبهَ اباكَ). ۹- در تعلیمات کودکان باید آنان را با دستورات اخلاقی آشنا نمود. حضرت زهرا (س) سه دستور اخلاقی داشتند. ۱۰- در ضمن سفارشات اخلاقی مثبت باید کودک را از همنشینی‌های سوء نیز پرهیز داد. چون حضرت زهرا (س) یک پرهیز اخلاقی هم در شعرها داشتند. ۱۱- ما نیابستی کودکان را کم‌ظرفیت و غیر مستعد، برای تعلیم مطالب جدی و اساسی بدانیم، چنانکه دیدیم حضرت زهرا (س) مطالبی اساسی را به فرزندان خود تعلیم می‌دهد. ۱۲- مادران باید از همان کودکی به تلقینات مثبت اخلاقی به کودک و آموزش آنها توجه کنند، چنانکه فاطمه‌ی زهرا (س) از همان کودکی حق‌طلبی، عبادت و... را به کودکان خود آموزش می‌دادند. ۱۳- برای تربیت کودکان باید از سبکهای هنری و ذوقی استفاده کرد. چنانکه حضرت زهرا (س) از شعر برای بازی با فرزند خود بهره‌گیری می‌نماید. ۱۴- در مقایسه

ی دو شعری که حضرت زهرا (س) برای امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می‌خواند فهمیده می‌شود این دو کودک دارای روحيات متفاوت از همدیگر بودند و حضرت زهرا (س) به عنوان بهترین مادر، این تنوع و تفاوت در روحيات و شخصیت کودکان خود را تشخیص داده بود و در تربیت آنان این تفاوت را ملاحظه می‌نموده است شعر حضرت زهرا (س) برای امام حسین (ع) این است: **أَنْتَ شَبِيهُ أَبِي لَسْتَ شَبِيهًا بَعْلِي حَسِينِ جَانِمِ تُو، بَه پَدْرَمِ رَسُوْلِ اللّٰهِ شَبَاهَتِ دَارِي نَه بَه پَدْرَتِ عَلِي.**

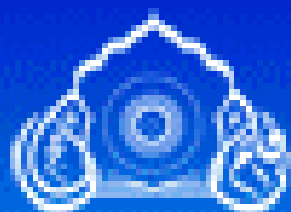
یاد فرزندان در بستر شهادت

حضرت فاطمه (س) آن چنان به بچه‌هایش علاقه‌مند بود، که حتی نسبت به ایام بعد از خود نیز حساس بود و به امیرالمؤمنین علی (ع) که شوهر معصوم آن حضرت و پدر معصوم فرزندان او می‌باشد، سفارش بچه‌هایش را می‌کرد. فاطمه (س) در بستر بیماری که سرانجام به شهادت و ارتحال آن حضرت انجامید، در مورد بچه‌هایش دو نوع وصیت کرد: نخست در مورد انتخاب همسر، که به بچه‌های فاطمه (س) مهربان باشد. دوم برخورد محبت‌آمیز امیرالمؤمنین (ع) با آنان و اینکه علی (ع) از هر دو شب یک شب را در کنار بچه‌های داغ دیده فاطمه (س) بخوابد. اینک به متن هر دو وصیت می‌پردازیم: «قالت فاطمه: اوصیک اولان تزوج بعدی ابنه اختی امامه فانها تکون لولدی مثلی ... فاطمه‌ی زهرا (س) به علی (ع) وصیت کرد، که بعد از من با دختر خواهرم امامه ازدواج کن، زیرا او به فرزندانم مثل من مهربان است ... و در مورد فراز دوم آمده است که چون علی (ع) به بالین فاطمه (س) آمد، او را در حالت احتضار دید، و لذا خطاب به فاطمه (س) گفت: ای فاطمه! با من، پسر عمویت علی بن ابیطالب (ع) حرف بزن. در این حال آن حضرت چشمانش را باز کرد و به سوی امیرالمؤمنین (ع) نگاه کرد و گریه نمود و علی (ع) نیز شروع به گریه کرد. فاطمه (س) گفت: یا علی! من در آستانه‌ی مرگ قرار گرفته‌ام و چاره‌ای از آن نیست و اینکه می‌دانم بعد از من باید ازدواج کنی. «فان تزوجت امرأ اجعل لها یوماً، و اجعل لاولادی یوماً و ليله، یا ابالحسن! و لاتصح فی وجوهما فیصبحان یتیمین غریبین منکسرین فانهما بالامس فقدا جدھما والیوم یفقدان امھما ...»

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث‌های بی محتوا در تلفن‌های همراه و رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب،

گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

